



شرکت سرمایه‌گذاری
مسکن جنوب
(تهامی عام)

گذار از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ مینا





شرکت سرمایه‌گذاری
مسکن جنوب
(سهامی عام)

روابط عمومی
شرکت سرمایه‌گذاری مسکن جنوب

jonoub.maskanco.ir

صفحه آرایی و گرافیک: استودیو ایوان

پاییز ۱۳۹۲ - شیراز

- ۲ • مقدمه
- ۳ • سیر تکامل مداخلات شهری
- ۵ • دیدگاه‌های مداخله در بافت‌های تاریخی
- ۶ • انواع رویکردهای مداخله در بافت‌های تاریخی
- ۸ • سیر تکامل مداخلات در بافت‌های فرسوده شهری ایران
- ۱۳ • بازارآفرینی شهری
- ۱۷ • پیشینه بازارآفرینی شهری
- ۱۹ • اصول بازارآفرینی شهری
- ۲۰ • ابعاد بازارآفرینی شهری
- ۲۱ • رویکردهای بازارآفرینی شهری
- ۲۳ • فرهنگ به عنوان ابزار بازارآفرینی
- ۲۵ • فرهنگ و بازارآفرینی
- ۲۵ • بازارآفرینی فرهنگی
- ۲۶ • بازارآفرینی فرهنگ - مینا
- ۲۸ • بازارآفرینی شهری فرهنگ - مینا
- ۳۵ • تجارب بازارآفرینی فرهنگ - مینا
- ۳۵ • مجموعه چند منظوره فرهنگی - تجاری بین‌الحرمین - شیراز
- ۳۷ • کارخانه ریسباف - اصفهان
- ۳۹ • مرکز نمایشگاهی و کنفرانس اس ایی سی سی - انگلستان
- ۴۱ • بازارآفرینی فرهنگ - مینا در نیوکاسل و گیتزهد - انگلستان
- ۴۳ • میدان فرهنگی فدراسیون ملبورن - استرالیا
- ۴۵ • دهکده شهری مونمارتر - پاریس
- ۴۷ • پارک دولویل - پاریس
- ۴۹ • بازارآفرینی محله بازارهای تاریخی شهر بوستون
- ۵۲ • جمع بندی
- ۵۴ • منابع

نویسندگان

علی کریم‌زاده، هنگامه سیاح رزیانی

مقدمه

انقلاب صنعتی و پیشرفتهای تکنولوژیکی ناشی از آن، به تغییرات بطنی جمعیت سرعت بخشید و جمعیت را افزایش داد. این افزایش جمعیت، بیشتر متوجه مراکز شهری شده و موجب برهم خوردن تعادل‌های اجتماعی و محیطی گردید [۱، ۲]. همچنین توسعه سریع شهرنشینی، تأثیرات قابل توجهی بر بافت‌های قدیمی و تاریخی بر جای گذاشته است [۲]. با توسعه شهرنشینی برخی از بافت‌های شهری به بافت فرسوده و ناکارآمد تبدیل شده‌اند. رویکردهای مرمت و بهسازی در سیر تکامل خود به بازآفرینی شهری رسیده‌اند. بازآفرینی شهری، راه‌حلی برای توسعه درونزای شهری است و امروزه با رویکرد بازآفرینی فرهنگ-مبنا به‌عنوان راهبردی اساسی شناخته می‌شود.

با بازآفرینی شهری فرهنگ-مبنا، کیفیت محیط‌های تاریخی به‌عنوان بخشی از نوآوری‌ها و ابتکار عمل‌های بازآفرینی شهر به‌طور روزافزونی آشکار گردیده است [۳]. در این رویکرد، فعالیت‌های فرهنگی به‌عنوان کاتالیزور و موتور بازآفرینی به حساب می‌آیند و فعالیت‌ها نمایش عمومی قابل توجهی دارند و اغلب به‌عنوان نماد بازآفرینی ذکر می‌شوند [۴]. هدف بازآفرینی شهری فرهنگ-مبنا توجه به حفظ ارزش‌های فرهنگی است و حفاظت از ثروت‌های بومی در جهت اعتلای نقش فرهنگی بازآفرینی شهری در محیط اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار است [۵].

گذار از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ‌مبنا

سیر تکامل مداخلات شهری

۱.

حفاظت از ثروت‌های فرهنگی در قرون گذشته همواره به مثابه امری آیینی مورد نظر بوده است، اما از اواسط قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی، با شکل‌گیری تئوری‌های مرمت معماری، این امر شکل تازه‌ای به خود گرفت [۷]. در قرن ۱۹ میلادی، توجه به حفاظت صرف از ساختمان‌های منفرد با گرایش به مرمت سیکی رایج (وابسته به تقلید) مورد حمایت و توسعه قرار گرفت. طبق قوانین علاوه بر توجه به حفاظت از یادمان‌ها و اشیاء عتیقه و هنری، بر حفظ ویلاها، پارک‌ها، باغ‌ها و به‌طور کلی حفاظت از زیربناهای طبیعی و چشم‌اندازها نیز تأکید شد. ویژگی این مرحله به‌طور عمده توجه به حفظ تک‌بناهای تاریخی است که در ایران نیز مصداق دارد و تا تاریخ ۱۳۵۲ شمسی (۱۹۷۳ میلادی) ادامه داشته است [۸].

۲.

در نیمه اول قرن بیستم، از یک‌سو جنگ‌های جهانی و نیاز به بازسازی گسترده ویرانی‌ها، شیوع تفکر نوگرایی در اوایل این قرن و نیز پیامدهای انقلاب صنعتی، گرایش به توسعه را شدت می‌بخشید و از سوی دیگر پیگیری اندیشه‌های حفاظت با آمیخته‌ای از فناوری روز و همچنین شروع حمایت‌ها در مقیاس بین‌المللی که منجر به تدوین اولین منشور مرمت معماری در کنگره ۱۹۳۱ آنن گردید، موجبات تداوم جنبش حفاظت می‌گردید [۷، ۹]. با این حال در عصر توسعه سریع شهرهای صنعتی و

بررسی سیر تحول سیاست‌های بهسازی و نوسازی شهری، به ویژه از قرن نوزدهم تا به امروز، نشانگر این است که در هر دوره بر اساس شرایط زمانه، رویکرد و نوع نگاه خاصی پیرامون امر مداخله در بافت‌های قدیمی و تاریخی غلبه داشته است. هر کدام از این دوره‌ها با هدف مرمت و بهسازی و نوسازی بافت‌های قدیمی شهری، بیانگر سطوح مختلفی از مداخله، دگرگونی در مفهوم و محتوا و وارد شدن جنبه‌ها و عرصه‌های جدید در مقوله‌ی مرمت شهری است. دست‌اندرکاران نیز در هر مقطع زمانی با وقوف بر نقاط ضعف هر رویکرد، سعی در اصلاح آن داشته و بدون رد کامل رویکرد قبلی در جهت تکمیل آن تلاش کرده‌اند [۶].

مداخله‌های شتابان و نامعقول، نه تنها محیط‌های تاریخی آسیب دیدند، بلکه مضامین تاریخی- هنری بسیاری از یادمان‌ها نیز به طور مستقیم و یا بر اثر تغییر ویژگی محیط اطرافشان را دگرگون کرد [۲، ۹].

۳. میراث سال‌های جنگ جهانی دوم در اروپا، فرسودگی و فروپاشی سازمان شهری بسیاری از شهرها در قاره اروپاست. در دهه ۵۰ میلادی با حجم وسیع تخریب و آوار ناشی از جنگ، نگرش به مرمت کالبدی و بازسازی شهری به عنوان اولویت اول در دستور کار قرار گرفت [۹]. دهه ۴۰، ۵۰ و ۶۰ میلادی مقارن با سال‌های پس از جنگ جهانی دوم را عصر بازسازی می‌نامند.

۴. از اوایل دهه ۶۰ میلادی، دلسردی نسبت به اقدامات بازسازی و پاکسازی طرح‌های توسعه مجدد [۹]، زمینه‌ساز بروز واکنش‌های گسترده‌ای شد. به همین جهت، در این دوران گستره‌ها و مناطق تاریخی شهرها از ارزش‌گذاری مجددی برخوردار شدند و موج دوم رویکرد حفاظت ظاهر گردید. در این روند، استفاده مجدد از ابنیه و آثار تاریخی و گرایش به تجدید حیات کارکردی و باززنده‌سازی آن‌ها با ملحوظ داشتن ارزش‌های فرهنگی- تاریخی، زیبایی‌شناسی، معماری و بافت شهری، ضرورت احیا عملکردی و توانمندسازی بافت [۷]، احیا اقتصادی و اجتماعی محلات [۱۰] نیز مورد توجه قرار گرفت.

۵. در دهه ۷۰ میلادی، با تداوم فرآیند نوسازی بر بعد فعالیت اقتصادی از طریق تغییر کاربری یا ایجاد فعالیت‌های جایگزین به شکل بازسازی کارکردی یا تنوع‌بخشی کارکردی تأکید می‌ورزید. این روند در مواردی که بر حفظ کاربری‌های موجود ولی با کارآمدی و سوددهی بیشتر تأکید داشت، به عنوان بازآفرینی کارکردی مورد عمل قرار می‌گرفت [۷].

۶. در دهه ۸۰ میلادی، نگرش اقتصادی به بافت‌ها و محلات فرسوده و رو به زوال شهری در کانون توجه سیاست شهری قرار گرفت. در این سال‌ها توسعه مجدد، آمیخته‌ای از نگاه بازسازی، بهسازی و بازآفرینی در مرمت شهری است. مقوله مشارکت و دخالت همه گروه‌های ذینفع و ذینفوذ در این رویکرد، امری مهم قلمداد می‌شود. با تجدید ساختار اقتصادی و رها شدن مناطقی همچون کارخانه‌های صنایع سنگین، کارگاه‌ها و باراندازها و... بستر جدیدی برای بروز مسائل شهری به وجود آمد. برای مقابله با این معضلات شهری و در تداوم تحولات جنبش توسعه و نوسازی، رویکردی جدید شکل می‌گیرد که از این پس در ادبیات توسعه شهری با واژه بازآفرینی همراه می‌گردد [۷].

۷. در دهه ۹۰ میلادی، مرمت شهری با نگرش بازآفرینی در دستور کار قرار گرفت. نوعی رویکرد مداخله‌ای که با نگاه به گذشته و بدون پاکسازی هویت‌های تاریخی دوره‌های مختلف، به خلق هویتی جدید متناسب با شرایط زندگی مردمان عصر حاضر می‌انديشد [۹]. در واقع از دهه ۹۰ میلادی به بعد، مرمت شهری مفهومی جامع است که به معنای بهبود وضعیت

گذار از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ مبنا

نواحی محروم در جنبه‌های اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی است [۹].

۸. هم‌زیستی و همنشینی مسالمت‌آمیز سبک‌ها و فرهنگ‌ها، آخرین مرحله تحول و دگرگونی در مفهوم مرمت است که با آغاز هزاره سوم و ورود به قرن ۲۱، تعریفی جدید از بازآفرینی و نوزایی شهری را به وجود آورده است. در این تعریف، ابعاد فرهنگی و هنری به وجه غالب تبدیل شده و تئوری‌های مختلف سعی در توجیه توجه به مقوله‌های هنری و فرهنگی در خلق و ایجاد محیط‌های سرزنده و پیویای شهری را دارند [۹].

دیدگاه‌های مداخله در بافت‌های تاریخی

در دیدگاه‌های پیرامون اهداف مداخله در بافت‌های تاریخی، توافق و تفاهم همگانی برقرار است، اما دستیابی به این تفاهم در وجه راهبردها و روش‌ها به دلیل تفاوت نظرات، نیاز به گفتگو دارد. مسئولان و کارشناسان در خصوص مداخله در بافت از سه نگرش عمده برخوردارند:

۱. **دیدگاه موزه‌ای:** این دیدگاه هرگونه اقدامات معاصر سازی و نوسازی مداخله را، جز حفاظت و مرمت، مردود می‌داند و اقداماتی از قبیل احیای عملکردی ابنیه تاریخی را موجب تخریب بافت و ارزش‌های فرهنگی-تاریخی آن می‌داند. این نگرش در وجه افراطی خود حتی با کاربری‌های امروزی نیز مخالف است. بر این نگرش انتقادهایی وارد است از جمله: عدم توجه به خواست‌ها و منافع مالکین و ساکنین بافت‌ها، عدم توجه به نیازهای زندگی شهروندان کنونی، راکد شدن بافت و در نتیجه تداوم فرسودگی، خروجی روزافزون ساکنین و جایگزین شدن افسار فرودست اجتماعی، تهدید آثار و ارزش‌ها و در نهایت هویت بافت و تشدید گسست کالبد.

۲. **دیدگاه نوسازی:** این دیدگاه کلیت بافت تاریخی را بافت فرسوده می‌نگرد و به ارزش‌های فرهنگی-تاریخی در وجه ساختاری معتقد نیست و صرفاً تعدادی از تک بناها را واجد ارزش نگهداری می‌داند. این نگاه که به دیدگاه بولدوزی معروف است که در ساختار بافت تاریخی تبلور یافته است، بدون توجه به ارزش‌های فرهنگی-تاریخی، تمامی عرصه بافت تاریخی را میدان نوسازی و سرمایه‌گذاری می‌داند و در واقع هیچ گونه تفاوتی بین بافت تاریخی و زمین آماده سازی قائل نیست. طرح‌های ارائه شده بر مبنای این دیدگاه‌ها کم نیستند. طرح نوسازی اطراف حرم مطهر امام رضا (ع) به مساحت حدود ۲۸۰ هکتار در سال ۷۲ - ۱۳۷۳ نمونه بارزی از این دست طرح‌ها به شمار می‌آید. انتقادهای عمده ای که بر این نگرش واردند، می‌توانند از این قرار باشند: عدم توجه به ارزش‌های فرهنگی-تاریخی که در طول زمان ایجاد شده و به شکل ساختاری هم پیوند تبلور یافته است، بی توجهی به ارزش‌های اجتماعی و مردم شناختی، بی توجهی به نقش مردم و مشارکت مردمی، نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان و مداخله یک جانبه دولت.

۳. **دیدگاه بینابینی:** این نگرش معتقد است کلیتی که از آن به عنوان بافت تاریخی یاد می‌کنیم، هرگز یک مجموعه همگن و هم ارزش نیست، بلکه عملاً طیف وسیعی را از ارزشمندترین عرصه‌ها و مجموعه‌های تاریخی، مانند میدان نقش جهان اصفهان و عناصر پیرامونی آن، تا بخش‌های

بسیار فرسوده شهر را که در برخی موارد حتی فاقد ارزش نگهداری اند، در برمی‌گیرد [۱۱].

بنابراین می‌توان گفت در دنیای اندیشه پردازی در مورد مداخله در بافت‌ها و فضاهای کهن شهری دو گرایش و دیدگاه عمده وجود دارد: کارکرد گرایی و فرهنگ گرایی. در دیدگاه کارکرد گرایی اولویت با مقولات اقتصادی بوده و محتوای فرهنگی از جایگاه مناسبی برخوردار نیست و در دیدگاه فرهنگ گرایی برعکس، شرایط و ارزش‌های فرهنگی عامل غالب در شکل دهی فضا تلقی می‌شوند. ارزش گذاری بیش از حد به گذشته از مشخصات بارز این تفکر است. دیدگاه کارکردگرا فضاهای شهری کهن را از دید مصرفی نگریسته، پس به دگرگونی آن اعتقاد دارد، در حالیکه دیدگاه فرهنگ گرا به این فضاها به دید موزه می‌نگرد و از این رو امر به حفاظت می‌نماید. اما آنچه مورد پذیرش است دیدگاه بینابینی این دو است [۱۲].

انواع رویکردهای مداخله در بافت‌های تاریخی

انواع مداخله براساس میزان وفاداری به گذشته در سه گروه بهسازی، نوسازی و بازسازی قرار می‌گیرند [۱۳، ۱۴]. این سه نوع مداخله هر یک طیف گسترده‌ای از اقدامات را برحسب نیاز شامل می‌شوند:

بهسازی : در این نوع مداخله اصل بر وفاداری به گذشته و حفظ آثار هویت بخش در آن‌هاست. فعالیت بهسازی با هدف استفاده از امکانات بالقوه و بالفعل موجود و تقویت جنبه‌های مثبت و تضعیف جنبه‌های منفی از طریق حمایت، مراقبت، نگهداری، حفاظت، احیا، استحکام بخشی و تعمیر صورت می‌پذیرد. دخالت در این بافت‌ها مستلزم رعایت ضوابط و مقررات سازمان میراث فرهنگی می‌باشد [۱۵]. بهسازی به سلسله اقداماتی گفته می‌شود که به منظور ابقا و بهبود کالبد و فضای شهر در کوتاه مدت صورت می‌گیرد [۱۶]. در واقع بهسازی زمانی صورت می‌گیرد که فرسودگی نسبی فضا از لحاظ عملکردی حاد شده باشد [۱۵، ۱۶]. در اقدامات مربوط به بهسازی، مداخله‌ای چشمگیر در کالبد صورت نمی‌گیرد. زیرا کالبد در شرایط مناسبی به سر می‌برد و تنها با جایگزینی عملکرد مناسب فعالیت، از فرسایش جلوگیری می‌شود [۱۴].

نوسازی : در این نوع مداخله حد وفاداری به گذشته از انعطاف پذیری بیشتری برخوردار است و بر حسب مورد از مداخله اندک تغییر را می‌تواند شامل گردد. نوسازی با هدف افزایش کارایی و بهره‌وری، بازگرداندن حیات شهری به بافت می‌باشد و از طریق نوکردن، توانبخشی، تجدید حیات، انطباق و دگرگونی صورت می‌پذیرد [۱۵]. در واقع نوسازی بازگرداندن حیات مجدد به بنا یا فضا و احیا با تأکید بر تغییر شکل فضا یا مجموعه شهری است [۱۶].

گذار از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ مبنا

نوسازی فرآیندی است جامع‌نگر از منظر اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و کالبدی برای بازگرداندن شرایط مناسب زندگی بر مبنای ارتباطاتی نو و به تعادلی پویا رساندن محدوده‌ها و محله‌های هدف [۱۷] و زمانی انجام می‌شود که فضای شهری، مجموعه و یا بنا از نظر عملکردی فعال هستند، ولی فرسودگی کالبدی سبب کاهش بازدهی و کارایی آن شده باشد [۱۶]. در نوسازی بر فعالیت دائمی فضا تأکید شده و با ایجاد تغییراتی در کالبد، آن را معاصر می‌کند. این عمل برخلاف بهسازی می‌تواند به ایجاد فضاهای جدیدی بیانجامد و به گفت‌وگوی خلاق بین گذشته و آینده مدد رساند [۱۴].

بازسازی: در این نوع مداخله نه تنها هیچ الزامی برای حفظ گذشته وجود ندارد، بلکه با هدف ایجاد شرایط جدید زیستی و کالبدی - فضایی و از طریق تخریب، پاکسازی و دوباره‌سازی صورت می‌گیرد [۱۵]. بازسازی به معنای از نو ساختن است. بازسازی زمانی صورت می‌گیرد که در بنا، مجموعه یا فضای شهری، فرسودگی به صورت کامل ایجاد شده باشد [۱۸]. در این حالت، فضای شهری در چهره‌های جدید یا در صورت اصل خویش، روابطی کاملاً جدید را بیان می‌کند [۱۴]. در جدول زیر انواع مداخله در بافت‌های فرسوده به اختصار بیان شده‌اند.

نوع مداخله	زمینه	هدف	راهبرد
بهسازی (حداقل مداخله) (توانمندسازی)	فرسودگی عملکردی فضا، شرایط مناسب کالبد	وفاداری به گذشته و حفظ آثار هویت بخش، استفاده از امکانات بالقوه و بالفعل موجود، تقویت جنبه‌های مثبت و تضعیف جنبه‌های منفی	حمایت، مراقبت، نگهداری، حفاظت، احیا، استحکام بخشی و تعمیر
نوسازی	عملکرد فعال، فرسودگی کالبدی	انعطاف‌پذیری در وفاداری به گذشته، افزایش کارایی و بهره‌وری، بازگرداندن حیات شهری به بافت، بازگرداندن حیات مجدد به بنا یا فضا با تغییر شکل فضا	نوکردن، توانبخشی، تجدید حیات، انطباق و دگرگونی
بازسازی (حداکثر مداخله)	فرسودگی کالبد و عملکرد	عدم الزام برای حفظ گذشته، ایجاد شرایط جدید زیستی و کالبدی - فضایی	تخریب، پاکسازی و دوباره‌سازی

رویکردهای مرمت و بهسازی شهری در سیر تحول و تکامل خود به بازآفرینی و نوزایی شهری تکامل یافته و در این مسیر، گذاری را از حوزه توجه صرف به کالبد به عرصه تأکید

بر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری تجربه کرده‌اند [۱۹].

سیر تکامل مداخلات در بافت‌های فرسوده شهری ایران

امروزه با رشد روزافزون شهرنشینی، مشکلات شهری بیش از هر زمان دیگری دامنگیر شهرهای کشور گردیده است [۲۰]. بررسی وضعیت شهرهای ما و تحولاتی که در طی چند دهه اخیر رخ نموده، مبین این نکته است که در سرزمین ما مفهوم شهر امروزی با معنی و مفهوم شهر در گذشته فرق کرده است [۲۱]. در ایران از حدود یک قرن پیش قوانینی مورد طرح و تصویب قرار گرفته و هزینه‌های مادی و معنوی در خور توجهی صرف مداخله در بافتهای فرسوده شهری شده است. این اقدامات گاه در جهت حفظ شالوده شهر کهن و گاه در جهت حذف آن عمل کرده و با چهارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های متعددی ارائه شده است. از آنجا که هدف مشخص و نظری ویژه‌ای در این اقدامات دنبال نشده و سیاست‌های مداخله غالباً سردرگم اتخاذ شده، آنچه در عمل مشاهده می‌شود از روند تخریب تدریجی و بلاتکلیفی این بافت‌ها حکایت دارد [۲۲].

پیشینه بازآفرینی مرکز شهر ایرانی و بازآفرینی بافت شهرها علی‌رغم سابقه طولانی شهرنشینی در ایران، دارای سابقه کمی است. در مورد مرمت بافت‌های تاریخی در ایران، تاریخ به حدود ۸۰ سال گذشته برمی‌گردد که به چند دوره قابل تقسیم است [۲۳].

۱. **دوره اول، دوران شروع مداخله (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ه. ش.)**: تصویب و سپس اصلاح قانون توسعه معابر، احداث خیابانها و میدانها در مراکز شهرها و مخصوصاً محله‌های قدیمی جهت ایجاد دسترسی سواره به نقاط مختلف شهر از مهمترین اقدامهای این دوره است. با شروع جنگ جهانی دوم و کشیده شدن آتش جنگ به ایران، اقدام‌های مرمتی متوقف ماند.

۲. **دوره دوم (۱۳۲۰ تا ۱۳۴۵ ه. ش.)**: (دوران توجه به بافت‌های شهری): در این دوره بیشتر اقدامات صورت گرفته مربوط به محله‌های نوبنیاد اطراف و مجاور و حتی داخل شهرها به صورت زاغه‌نشین بوده است. بنابراین اقدامات در مورد بافت‌های شهری موجود و مراکز شهری به جز اقدام در جهت تدوین طرح‌های جامع شهری در سال ۱۳۴۴ ه. ش. همچنان در همان راستای دوران ابتدایی مداخله بوده است.

۳. **دوره سوم (۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ ه. ش.)**: از خصوصیات عمده این دوره، تصویب قوانین تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی، تهیه طرح جامع برای شهرهای بزرگ و تهیه طرح‌های هادی توسط وزارت کشور برای شهرهای کوچک، نوسازی محله‌های قدیمی و ناسالم در قالب طرح‌های جامع، نوسازی و بهسازی محیط، حفظ بافت تاریخی و توجه به اصالت آن را می‌توان نام برد.

گذار از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ مبنا

۴. دوره چهارم، بعد از انقلاب اسلامی (از سال ۱۳۵۷ تاکنون): در ده سال ابتدایی بعد از انقلاب به دلیل جنگ، اقدامی در این زمینه صورت نگرفت ولی پس از پایان جنگ برنامه‌های اول تا ششم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور توانست زمینه‌ساز برخی اقدامات مرمت شهری در ایران باشد [۱۳]. این سال‌ها متاثر از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پس از جنگ دارای تفاوت‌های بارزی با سایر دوره‌ها است. اقدامات بسیار محدود تحت عنوان «روانبخشی» با توجه به شرایط اقتصادی حاکم تنها در چند شهر اصفهان، یزد، سمنان، گرگان و شیراز به صورت موضعی صورت گرفت. ولی پس از پایان جنگ برنامه‌های اول تا ششم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور توانست زمینه‌ساز برخی اقدامات مرمت شهری در ایران باشد [۲۴].

۴-۱. برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۷۲-۱۳۶۸ ه.ش):

از جمله اقدامات آن دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مدنظر قرار دادن مطالعات بهسازی و نوسازی شهرها در بخش عمران شهری و در قالب تهیه برنامه‌های توسعه شهری در پیوست قانون و بخش‌های برنامه.
- طرح مستقل بهسازی و نوسازی در راستای حداکثر استفاده از ظرفیت‌های درونی شهری در مقابل توسعه بیرونی از طریق تأسیس دفتر بهسازی بافت شهری در معاونت امور محلی و عمران شهری در سال ۱۳۶۷ (انجام ۲۰ طرح بهسازی و نوسازی و ۵ طرح تجمیع در ۱۲ شهر توسط وزارت کشور).
- تهیه طرح‌های جامع، تفصیلی و هادی و تجدیدنظر شده در طرح‌های جدید از جمله طرح‌های روان بخشی.
- تعریف وظایف تهیه و اجرای طرح‌های لازم برای حفاظت، تعمیر و مرمت و احیای آثار، بناها و مجموعه‌های ارزشمند فرهنگی و تاریخی.

۴-۲. برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۷۷-۱۳۷۳ ه.ش):

این برنامه نقطه عطف توجه مستقیم، منسجم و برنامه‌ای به بهسازی بافت‌های شهری و تلاش برای حل مسائل مختلف بافت‌های فرسوده و قدیمی است که از جمله اقدامات آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- طرح موضوع بهسازی بافت‌های فرسوده مسئله‌دار در قالب پروژه‌های ذیربط با هدف استفاده بهینه از زمین از طریق اصلاح بافت‌های فرسوده و اصلاح محلات قدیمی.

- ایده تجمیع قطعات در مناطق شهری، بهسازی و نوسازی بافت‌های مسئله‌دار شهری با حفظ هویت بافت‌های با ارزش و همزمان اندیشیدن به مسئله مسکن و بافت‌های کهن شهری به عنوان میراث تاریخی.
 - ارائه شرح خدمات تپ از سوی دفتر بهسازی و نوسازی بافت شهری وزارت مسکن و شهرسازی با تفکر تجمیع در بافت قدیم.
 - تشکیل شرکت عمران و بهسازی شهری در سال ۱۳۷۵ به عنوان متولی اصلی رسیدگی به بافت‌های کهن شهری در راستای اجرای برنامه دوم توسعه.
- ۳-۴- برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۸۳-۱۳۷۸.۵ ش): از جمله اقدامات آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- تدوین قوانین و مقررات لازم برای تشویق مالکان اراضی فرسوده شهری به تجمیع زمین و سرمایه‌گذاری و مشارکت در طرح‌های بافت از طریق مشوق‌های مالیاتی لازم و وام‌های ترجیحی.
 - تشکیل کمیسیون مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی با عضویت نمایندگان وزارت مسکن و سازمان اوقاف و حسب مورد دستگاه‌های ذیربط برای ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های اجرایی در زمینه اجرای طرح‌های مرمت و احیای بافت‌های تاریخی کشور.
 - تهیه طرح‌های ساختار تاریخی-فرهنگی شهرهای تاریخی و مشخص کردن محدوده بافت‌های تاریخی - فرهنگی و ضوابط حفظ و احیا و بهسازی و بازسازی آن‌ها.
 - ایجاد شرکت‌های مشاوره‌ای و قطب‌های علمی - پژوهشی برای دستیابی به راهکارهای حفاظت، بهسازی و نوسازی شهری.
 - توسعه تسهیلات مادی و معنوی برای بهسازی و نوسازی شهری [۱۳].
- ۴-۴- برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۸۸-۱۳۸۴.۵ ش): پس از واقعه ناگوار بم در سال ۱۳۸۲، توجه همگان به ویژه مدیران شهری به موضوع مشکلات بافت‌های شهری جلب شد [۲۴]. از جمله اقدامات آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- موظف ساختن دولت به استحکام بخشی ساخت و سازها، دستیابی به توسعه پایدار و بهبود محیط زندگی در شهرها و روستاها به منظور هویت بخشی به سیمای شهر و روستا.
 - احیای بافت‌های فرسوده و نامناسب شهری و ممانعت از گسترش محدوده شهرها گذار از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ مبنا

براساس طرح جامع شهری و ساماندهی بافت‌های حاشیه‌ای در شهرهای کشور با رویکرد توانمندسازی ساکنین این بافت‌ها.

- ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و شهرها به منظور کاهش خسارات انسانی و اقتصادی ناشی از حوادث غیرمترقبه با بازسازی و نوسازی بافت‌های قدیمی شهرها و روستاها از طریق منابع داخلی و خارجی ظرف ۱۰ سال.
 - مجاز دانستن وزارت مسکن به خریداری املاک مناسب مورد نیاز در بافت‌های فرسوده و نامناسب شهری به منظور اجرای طرح‌های عمرانی [۲۵].
 - ۵-۴- برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۹۵-۱۳۸۹ ه.ش): از جمله اقدامات آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
 - هویت‌بخشی به سیمای شهر و روستا، بازآفرینی و روزآمدسازی معماری ایرانی - اسلامی، رعایت معیارهای پیشرفته برای ایمنی بناها و استحکام ساخت و سازها.
 - سامان‌بخشی مناطق حاشیه‌نشین و پیشگیری و کنترل ناهنجاری‌های عمومی ناشی از آن.
 - استفاده از ابزارهای فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ها برای پیشگیری و مقابله با ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی [۲۶].
 - ۶-۴- برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۴۰۰-۱۳۹۶ ه.ش): این برنامه در حال حاضر در دست اجراست که از جمله اهداف آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
 - هویت‌بخشی به سیمای شهر و روستا و بازآفرینی و روزآمدسازی معماری اسلامی - ایرانی.
 - سامان‌بخشی مناطق حاشیه‌نشین و پیشگیری و کنترل ناهنجاری‌های عمومی ناشی از آن [۲۷].
- از برگزاری نخستین گردهمایی مرمت بناها و شهرهای تاریخی (آذر، ۱۳۵۰ دانشگاه تهران) در کشورمان سال‌ها می‌گذرد. در این گردهمایی، مسأله حفاظت و مرمت بناها و شهرهای تاریخی به عنوان عامل مؤثر در توسعه کشور مطرح شد [۲۵، ۶]. طی مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، در سال ۱۳۶۰ پس از تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی، شهرهای اصفهان، شیراز، تبریز و کرمان به عنوان شهرهای فرهنگی - تاریخی اصلی کشور انتخاب و

طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱ طرح‌هایی با عنوان محورهای فرهنگی - تاریخی تهیه شدند. در سال‌های اخیر سیاست‌های بازآفرینی فرهنگی و کیفی به‌عنوان ابزار معاصرسازی و رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک در سایت‌های تاریخی ارزیابی شده است [۱۱] و ستاد ملی بازآفرینی در سال ۹۳ با هدف تحقق مفاد سند ملی راهبردی احیا، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری از طریق هماهنگی بین بخشی و با رعایت قوانین و مقررات مربوطه تشکیل شد. بنابراین می‌توان گفت رویکردهای مرمت و بهسازی شهری در سیر تحول و تکامل خود از بازسازی، باززنده‌سازی، نوسازی و توسعه مجدد به بازآفرینی و نوزایی شهری تکامل یافته‌اند [۱۹].

بازآفرینی شهری

و بازآفرینی به کار می‌رود [۲۷].
واژه بازآفرینی شهری به‌عنوان یک واژه عام که مفاهیم دیگری نظیر بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روان‌بخشی شهری را در بر می‌گیرد به کار می‌رود. بازآفرینی شهری به مفهوم احیا، تجدید حیات و نوسازی شهری و به عبارتی دوباره زنده شدن شهر است [۱۳، ۱۵].

بازآفرینی شهری رویکرد، تکامل یافته‌ای در نوسازی شهری است که به ورای اهداف، آرمانها و دست‌یافته‌های بازسازیهای کلان مقیاس دهه پنجاه، بازنده‌سازی و بهسازی‌های دهه هفتاد و توسعه‌های مجدد دهه هشتاد میلادی با تأکید بر توسعه املاک و مراکز تجاری رسیده است [۲۸]. در تعریف بازآفرینی در سند ملی راهبردی چنین آمده: فرآیند توسعه همه‌جانبه در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی به منظور ارتقای کیفیت زندگی در محدوده‌ها و محله‌های هدف در پیوند با باقی شهر [۱۷].

بازآفرینی شهری نگرش و اقداماتی جامع و یکپارچه برای حل مشکلات شهری منطقه هدف عملیات است و بر این مطلب تأکید دارد که طرح و اجرای هرگونه روش برای مقابله با مشکلات شهرهای بزرگ و کوچک، باید دارای اهداف بلندمرتبه و راهبردی باشد [۲۹].

بازآفرینی شهری سیاستی جامع، در برگیرنده برنامه ارتقای کیفی بافت‌های شهری با اهداف یکپارچه اقتصادی،

معادل واژه بازآفرینی، واژه Regeneration است و ریشه آن از Genus به معنای واحدهای فیزیکی و کارکردی پایه‌ای بدن و عامل انتقال وراثت است. Generate به معنای خلق و تولید کردن، Regenerate به معنای بهبود و ارتقا، رویاندن و رشد کردن، تغییر بنیادی در جهت وضعیتی بهتر، از نو فرم و شکل گرفتن، اصلاح کردن [۲۶]، احیا کردن، جان دوباره بخشیدن، احیا شدن، از نو رشد کردن [۲۷] و Regeneration به معنی رشد و یا منجر به رویش مجدد چیزی شدن، تجدید حیات و احیای معنوی و روحانی، نوسازی و یا مرمت بدن یا بخشی از آن در یک سیستم بیولوژیک بعد از ایجاد زخم و در فرآیندی طبیعی [۲۶] و در مطالعات شهری به معنای احیا، تجدید حیات، معاصر سازی

اجتماعی و فرهنگی است که تنها به تغییرات کالبدی نمی‌اندیشد و بر تغییرات اجتماعی نیز تأکید می‌نماید [۲۸] و در پی ایجاد وضعیتی پایدار در اقتصاد، کالبد، اجتماع و محیط است [۲۷]. بازآفرینی محیط‌های شهری از رکود اقتصادی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی که در اثر زوال و تخریب کالبد فیزیکی به وجود می‌آید، جلوگیری می‌کند [۳۰].

بازآفرینی شهری هم به جذابیت فضاهای شهری از طریق مرمت عناصر موجود و ایجاد عناصر کالبدی جدید و هم تلفیق انواع فعالیت‌های رسمی و تعریف شده با فعالیت‌های غیررسمی اشاره دارد [۲۸]. به عبارتی بازآفرینی، خلق فضاهای جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی قدیم (کالبدی و فعالیتی) است [۳۱، ۳۰] و هدف، حفظ ویژگی‌های ارزشی بافت قدیمی، خلق ویژگی‌های جدید و متناسب با نیاز روز و تعریف مجدد ارزش‌های گذشته برای پاسخ‌گویی به نیازهای معاصر است [۳۰]. در بازآفرینی شهری با حفظ فضاهای کالبدی روستاها و محله‌های تاریخی بر تشابهات کالبدی و ظاهری آن‌ها تأکید می‌شود. کاونت‌گاردن و محله سوهو در لندن نمونه‌هایی از بازآفرینی شهری هستند. در این محله‌ها کالبد حفظ شده ولی عملکرد تغییر کرده است [۳۲].

بازآفرینی (معاصر سازی) یعنی تولید سازمان فضایی جدید منطبق بر شرایط تازه و ویژگی‌های نو که همگی در ایجاد روابط شهری جدید و یا تعریف دوباره روابط شهری کهن یا موجود مؤثر می‌افتد [۳۱]. در این رویکرد توجه به حفظ ارزش‌های فرهنگی و حفظ ثروت‌های بومی و تاریخی، انتقاد از ساخت و سازهای دارای یک نوع کاربری به جای کاربری‌های متعدد، توجه به اقدامات کیفی به موازات اقدامات کمی، مشارکت گروه‌های اجتماعی در فرآیند بازآفرینی و... مشهود است [۲]. بازآفرینی کاری تفریحی و تفریحی نیست، بلکه امری حیاتی در تداوم تاریخی، پیوستگی فرهنگی و کارکردی فضاهای جمعی شهر به حساب می‌آید [۳۰].

در این اقدام فضای شهری جدیدی حادث می‌شوند که ضمن شباهت‌های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را با فضای قدیم به نمایش می‌گذارند [۳۱]. در حالت کلی بازآفرینی سعی دارد با بررسی موقعیت، شرایط محیطی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی به تجدید حیات مکان‌هایی بپردازد که به مرور زمان فرسوده شده و کارایی لازم را ندارند، همچنین به نحوی که احیای کالبدی و عملکردی توأمان به وقوع بپیوندد، باعث افزایش کیفیت‌های محیطی گردد [۲۸، ۳۳]. بازآفرینی شهری به دنبال حل مشکلات فرسودگی شهری از طریق بهسازی مناطق محروم و در حال اضمحلال در شهرهاست. این رویکرد تنها به دنبال باززنده‌سازی مناطق متروکه نیست، بلکه با مباحث گسترده‌تری همچون اقتصاد رقابتی و کیفیت زندگی به خصوص برای کسانی که در محلات فقیرنشین زندگی می‌کنند، سروکار دارد [۲].

رهیافت بازآفرینی شهری تلاشی یکپارچه برای به زندگی برگرداندن مناطق رو به نابودی است. عملکرد این رهیافت، توقف افت در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، محیطی و خارج کردن بافت از چرخه تنزل این رویکرد بر اساس اهمیت برابر مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی است [۳۴]. در حال حاضر، استفاده بهینه از اراضی شهری به منظور حداکثر بهره‌وری از منابع موجود از طریق بهسازی و بازآفرینی عرصه‌های فرسوده و نابسامان، جلوگیری از توسعه و گسترش شهرها در مناطق پیرامونی و استفاده مجدد از ساختارهای تاریخی، از محورهای اصلی و اولویت‌های برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری در کشورهای توسعه یافته و حتی برخی کشورهای در حال توسعه است. در بازآفرینی شهری، توسعه شهری به مفهوم رشد کمی عناصر کالبدی شهر برای اسکان جمعیت و ارتقاء کیفیت زندگی، در قالب طرح‌های توسعه شهری رخ خواهد داد [۲].

توسعه درونی شهری در حقیقت بکارگیری توان‌های بالقوه و بالفعل موجود در برنامه‌ریزی‌های شهری، تلاش در جهت ایجاد تعادل در نحوه توزیع کیفی و کمی جمعیت، هماهنگی میان بنیان‌های زندگی شهری و استفاده از مشارکت و پویای اجتماعی مردم و غیره است [۲]. کلیه تدابیر در وهله اول از نظر سبک معماری و شهرسازی، ارزیابی و سپس به صورت هم‌زمان در تطابق با مؤلفه‌های فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی و ویژگی‌های محیطی بررسی می‌شوند. هدف اصلی در روند بازآفرینی، افزایش کیفیت زندگی اجتماع محلی و تضمین مشارکت آن‌ها در این روند است [۳۰]. بازآفرینی امر بازتوسعه را از بهسازی کالبدی یا محیطی فراتر می‌برد تا جایی که دربرگیرنده یک رویکرد چندبخشی به امور شهری بوده و هدفش اثرگذاری بر سطوح اقتصادی، اجتماعی، زیرساختی، طبیعی و فرهنگی در یک چشم‌انداز بلندمدت است [۳۵].

در ایجاد تعریف کاربردی از بازآفرینی شهری، شناخت و بررسی روابط میان ویژگی‌های کالبدی و واکنش‌های اجتماعی، ضرورت جابجایی کالبدی برخی عناصر شهری مهم، اهمیت بهبود وضعیت اقتصادی به عنوان پایه و اساس رفاه زندگی شهری و کیفیت آن، ضرورت استفاده بهینه از زمین‌های شهری و ممانعت از توسعه بی‌رویه شهرها و اهمیت شناسایی بازتاب سیاست‌های شهری انجمن‌های اجتماعی غالب و نیروهای سیاسی و موضوع جدیدی به نام توسعه پایدار باید مورد بررسی و شناخت قرار گیرند [۲]. تشریح مفهوم بازآفرینی در جدول زیر آورده شده است.

واژه	بازآفرینی
معادل لغوی	نو شدن و به روز شدن
معنای مفهومی	خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی های فضایی (کالبدی و فعالیتی) قدیم ارائه شخصیت و هویت متفاوت
هدف	بازآفرینی فضا با ویژگی ها و ارزش های کهن فضا ایجاد شخصیت و هویت متفاوت
اصول	حفظ ویژگی های با ارزش بافت خلق فضاهاى جدید متناسب با نیاز روز بازآفرینی و تعریف مجدد ارزش ها برای پاسخگویی بهتر به نیازهای روز
زمان اقدام	مستمر و بلند مدت

تشریح مفهوم بازآفرینی [۳۶]

پیشینه بازآفرینی شهری

از اواخر دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، بازآفرینی شهری به‌عنوان یکی از سیاست‌های اصلی دولت‌های اروپای غربی و آمریکای شمالی در مواجهه با مسایل و مشکلات مناطق شهری مورد توجه قرار گرفته است. اگر چه واژه بازآفرینی شهری از این دوره در ادبیات توسعه شهری متداول شده، ولی معرف رویکردی نوین، یکپارچه و جامع از سیاست‌های توسعه و نوسازی شهری است که در دوره‌های پیش با ادبیات، مدل و مکانیزم متفاوتی مورد عمل بوده

است [۳۷].

در قرن بیست و یکم میلادی و به دنبال سپری شدن دوران اقدامات اضطراری، مباحث کیفی کارکردی - کالبدی شهرها مدنظر قرار گرفته است. اقدامات گسترده یاد شده که پیدایش آن‌ها مبتنی بر نظریه‌های رایج و مقبول زمان خود بوده، به طور عمده چهار نوع سیاست‌گذاری در تجدید حیات شهری را نشان می‌دهد [۳۱] که در جدول زیر نمایش داده شده است:

مرحل	محل	اقدامات	بعد
مرحله اول بازآفرینی (۱۹۶۰)	ایالات متحده آمریکا	واگذاری اراضی وسیع و متروکه شهری به فعالیت‌های متناسب شهری	کالبدی، محیط مصنوع
مرحله دوم بازآفرینی (۱۹۸۰)	داکلندز و بارسلونا	تحول و گذار کامل اراضی متروکه شهری	اجتماعی
مرحله سوم بازآفرینی (۱۹۹۰)	بسیاری از اراضی شهری در سراسر جهان با عملکردهای نامناسب	گذار و تحول اراضی با عملکردهای ناهمگن و نامناسب شهری به مکان‌هایی پررونق	اقتصادی
مرحله چهارم بازآفرینی (۱۹۹۰ تا کنون)	سراسر جهان	ایجاد محیط‌های سرزنده، پویا و جذاب شهری	فرهنگی، هنری

سیر تکاملی بازآفرینی شهری [۳۸]

همچنین در سه دهه اخیر در سراسر جهان پروژه‌هایی جهت مداخله در بافت‌های فرسوده و ارزشمند تاریخی ایجاد شده‌اند که می‌توان آن‌ها را با توجه به ویژگی‌هایشان در سه دسته طبقه‌بندی نمود [۳۹] که در جدول زیر نشان داده شده است.

پروژه	سال	اقدامات	مقیاس	اثرات مثبت	اثرات منفی
پروژه‌های پرچم	ابتدای دهه ۸۰ میلادی	کالبدی	بزرگ مقیاس، جهانی و فرامنطقه‌ای	طراحی فضاها و مکان‌های جدید، رونق اقتصادی، تولید اشتغال، صنعت گردشگری	ریسک مالی بالا، بی‌اعتمادی مردم نسبت به شهرداری‌ها و دولت محلی، عدم توزیع عادلانه رفاه و امکانات و نابرابری‌های اجتماعی در دستیابی به منافع پروژه‌ها، تکه تکه شدن سیما و منظر شهری، نیاز به سرمایه‌گذاری‌های عظیم
پروژه‌های پرستیز	اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰	کالبدی اقتصادی	منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	رونق فعالیت‌های اقتصادی	بی‌ثباتی املاک ملی و بین‌المللی، توجه صرف به توسعه دهندگان و سرمایه‌گذاران، توجه صرف به مناطق مجاور شهر و مناطق بندرگاهی به دلیل سود بالاتر، عدم توجه به مناطق محروم، عدم برقراری عدالت در خدمات و فعالیت
پروژه‌های محرک توسعه	اوایل قرن ۲۱	کالبدی اقتصادی اجتماعی	کوچک مقیاس، شهری و محلی	افزایش کیفیت عناصر و مکان‌های پیرامونی، عدم صدمه به بافت اطراف، عدم نیاز به سرمایه‌گذاری‌های عظیم	سطح اثر محدود، کارایی خرد

گونه‌شناسی پروژه‌های بازآفرینی شهری در بافت‌های فرسوده و ارزشمند تاریخی در سه دهه اخیر گذار از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ‌منا

اصول بازآفرینی شهری

مسیر اهداف توسعه‌ی پایدار قرار دارند.

دارای اهداف عملیاتی واضح و مشخص، قابل بسط به مکان‌های مختلف و دارای کیفیت مطلوب باشد.

از منابع طبیعی، اقتصادی، انسانی و... مانند زمین و ویژگی‌های موجود محیط مصنوع بهترین استفاده ممکن را انجام دهد.

این یقین حاصل شود که مشارکت حداکثری ممکن و همراهی تمامی ذینفعان، برای دستیابی به منافع مشروع آنان در بازآفرینی منطقه شهری به دست آمده است. این امر به واسطه برنامه مشارکتی و روش‌های دیگر به دست می‌آید.

بر اهمیت سنجش میزان پیشرفت اجرایی راهبرد اجرا شده، از طریق رصد میزان اهداف محقق شده و نظارت بر تغییرات بنیادین حاصل از طرح تأثیرات نیروهای خارجی و داخلی تحمیلی بر منطقه شهری وقوف حاصل شود.

امکان تجدیدنظر برخی برنامه‌های تصویب شده اولیه، در مرحله اجرا و در پی برخی تغییرات و رخداد‌های پیش‌بینی نشده در نظر گرفته شود.

پذیرای این حقیقت باشد که بخش‌های مختلف یک استراتژی، با سرعت‌های مختلف به نتیجه خواهند رسید و ممکن است برای

•

•

•

•

•

•

•

اصول و مبانی بازآفرینی شهری که منعکس‌کننده‌ی چالش‌های تغییرات شهری و نتایج آن باشد به شرح زیر است:

• مبتنی بر یک تحلیل کامل از منطقه‌ی شهری مورد نظر بوده و در پی اصلاح چندجانبه بافت کالبدی، ساختار اجتماعی، پایه‌های اقتصادی و شرایط محیطی آن منطقه باشد.

• تا حد ممکن در جهت رسیدن به اصلاح چندجانبه، از یک استراتژی جامع و کامل استفاده کند و با راه‌حل‌های دقیق، منظم و علمی با مشکلات روبه‌رو شود.

• اطمینان حاصل شود که استراتژی و برنامه‌های اجرایی طرح شده، در

ایجاد توازن منطقی میان اهداف مختلف یک برنامه بازآفرینی شهری و به منظور دست‌یابی به تمام اهداف استراتژیک آن، در نحوه مدیریت منابع و یا تدارک منابع اضافی به بازنگری نیاز باشد.

گذشته از این اصول، مورد مهم دیگر، نیاز به شناخت و پذیرش یگانگی مکان است. به عبارتی برای هرگونه مدل‌سازی برای بازآفرینی شهری باید شرایط خاص مکانی محل عملیات را مورد توجه قرار داد [۲۹].

ابعاد بازآفرینی شهری

اگر چه برنامه بازآفرینی شهری دهه هشتاد، عمدتاً بر پایه توسعه زمین و مستغلات در یک چارچوب برنامه‌ریزی فیزیکی و متمرکز در نواحی صنعتی رها شده و متروک بود، ولی به تدریج علاوه بر توسعه قلمرو فعالیت، به ویژه در مراکز شهری، به رویکردی جامع‌نگر مبدل گردید که علاوه بر توجه به ویژگی‌های فیزیکی محیط و ارتقاء آن، به تحول در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پایبند است [۴۰]. این رویکرد مفهوم جامعی است که به معنای بهبود وضعیت نواحی محروم در جنبه‌های اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی است [۱۰]. بنابراین می‌توان گفت بازآفرینی شهری شامل ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی [۳۰] در مقیاس‌های شهری، منطقه‌ای و ملی و مشتمل بر اصول زیر است:

۱. تغییر و تحولات اقتصادی: از جمله اقدامات این زمینه می‌توان افزایش فرصت‌های شغلی، بهبود توزیع ثروت، پرورش استعدادها، افزایش مالیات و مستغلات محلی، ارتباط میان عمران و بهسازی محلی، منطقه‌ای و شهری، جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی [۲]، تشویق به خوداشتغالی، ایجاد شغل‌های موقت و پاره‌وقت، بهبود آموزش و افزایش مهارت‌های حرفه‌ای، کاهش هزینه‌های زندگی [۴۱]، حمایت از بنگاه‌های اقتصادی و مؤسسات موجود و جدیدالتأسیس، فرصت‌های جدید اقتصادی، تنوع اقتصادی و بهبود زیرساخت‌ها را نام برد [۴۲].

۲. تغییر و تحولات اجتماعی: از جمله راهبردهای آن بهبود کیفیت زندگی و روابط اجتماعی، کاهش جرم و جنایت، غلبه بر بدنام‌سازی و محرومیت اجتماعی [۲]، به حداقل رساندن جرایم و خشونت، فراهم کردن خدمات بهداشتی و درمانی مناسب، کاهش کجروی‌های فرهنگی، تقویت اجتماعات خرد، تأکید بر توانمندسازی اجتماعات، توجه به نیازهای گروه‌های مختلف [۴۱]، آموزش مجدد شاغلین، بهبود و ارتقا وضعیت آموزش و خدمات سلامت، نوسازی محلات درونی، تسهیلات اجتماعی محلی، طرح‌ریزی نقشه‌های مردم‌رهر و برنامه‌های محیطی بومی است [۴۲].

۳. تغییر و تحولات کالبدی: بازآفرینی در این راستای به جست‌وجوی محدودیت‌ها و توان‌های بالقوه کالبدی می‌پردازد و کالبد شهر را با دگرگونی‌های سریع اقتصادی و اجتماعی هماهنگ

گذارد از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ‌مبنا

می‌کند[۴۱]. از جمله راهبردهای آن حل مسائل مرتبط با فرسودگی کالبدی همراه با اراضی جدید و ضروریات متناسب آن [۲]، ساخت مجدد مراکز شهری، بهبود مسکن، طراحی شهری ترفیع یافته و با کیفیت، میراث، تسهیلات اجتماعی جدید و حمل و نقل است [۴۲].

۴. کیفیت محیط زیست و توسعه پایدار: بازآفرینی شهری باید سبب ارتقاء توسعه متوازن و مدیریت اقتصاد جامعه و محیط زیست گردد. البته دست یابی به چنین رویکرد یکپارچه‌ای مستلزم احیاء خلاقیت‌های جامعه و به کارگیری آن در بازآفرینی است [۲]. اقدامات در این زمینه می‌تواند شامل اقدامات زیست‌محیطی، ارتقاء فضای سبز، مدیریت پساب و مصرف بهینه انرژی باشد [۴۲].

رویکردهای بازآفرینی شهری

بازآفرینی نیروهای محرکه و دستاویزهای متنوعی را به عنوان محور یا هدف خود برگزیده و یا به تعبیری با استفاده از رویکردهای گوناگون، فرصت‌های متنوع توسعه‌ای را فراروی خود قرار داده است. به این ترتیب و طی مدت زمانی که از آغاز تکوین جریان بازآفرینی در شهرها می‌گذرد، تعداد و فراوانی رویکردهای مرتبط با آن، بسیار گسترده بوده است [۴۳]. نکته قابل تأمل درباره رویکرد فرهنگی به بازآفرینی شهری، زیرمجموعه‌های آن و اشتراکی است که با زیرمجموعه‌های محور اقتصادی دارد [۴۳]. این دسته‌بندی در جدول زیر ارائه شده است.

فرهنگ	محیط زیست	طراحی	اقتصاد	اجتماع	قانون
فرهنگ-مینا	محیط زیست-مینا	طراحی-مینا	مالکیت-مینا	جامعه-مینا	خصوصی-مینا
هنر-مینا	خیابان-مینا	خیابان-مینا	خرده‌فروشی-مینا	تفریح-مینا	دولت-مینا
میراث-مینا	مرکز شهر-مینا	پروژه-مینا	بازار-مینا	ورزش-مینا	
رویداد-مینا	کرانه‌آبی-مینا	مرکز شهر-مینا	تجارت-مینا	رویداد-مینا	
حفاظت-مینا		کرانه‌آبی-مینا	مسکن-مینا	المپیک-مینا	
سرگرمی-مینا		مسکن-مینا	مصرف-مینا	آموزش-مینا	
المپیک-مینا		حفاظت-مینا	سرگرمی-مینا	سلامت-مینا	
آموزش-مینا		سکونت-مینا	المپیک-مینا	مهاجر-مینا	
مصرف-مینا			ورزش-مینا	سکونت-مینا	
ورزش-مینا			رویداد-مینا		

رویکردهای بازآفرینی شهری [۴۳]

همچنین در دسته‌بندی‌های دیگری رویکردهای غالب بازاریابی را چنین برمی‌شمرند:

- بازاریابی فرهنگ - مبنا
 - بازاریابی حفاظت - مبنا
 - بازاریابی سیمامحور
 - بازاریابی رویدادمحور
 - بازاریابی اجتماع محور
 - بازاریابی مبتنی براملاک و مستغلات
- [۲۶، ۴۲].

برنامه محیط‌زیست ملل متحد انواع بازاریابی را اینگونه معرفی می‌کند:

بازاریابی تحمیلی: این نوع بازاریابی پس از متروک ماندن طولانی‌مدت یک زمین رها شده و یا از بین رفتن شدید شرایط زندگی در یک منطقه انجام می‌شود مانند داکنند لندن.

بازاریابی فرصت طلبانه: این نوع بازاریابی در جایی که سرمایه‌گذاران خصوصی و دولتی زمین‌های در دسترس را برای پروژه‌های بزرگ تحت نظر دارند، انجام می‌شود مانند بارسلونا و آتن.

بازاریابی پیشگیرانه یا آینده‌مدار: این نوع بازاریابی در مناطقی که ساختارهای اقتصادی و اجتماعی رو به زوال نهاده‌اند، انجام می‌شود مانند استانبول و حلب.

[۴۴].

فرهنگ به عنوان ابزار بازآفرینی

تأکیدات فرهنگی اصلی‌ترین رویکرد در بازآفرینی شهری شده است [۲۷]. در سال ۱۹۷۰ نخستین کنفرانس در زمینه فرهنگ با شرکت ۸۵ کشور در ونیز برگزار شد. از این کنفرانس به بعد در یونسکو به مقوله فرهنگ، توسعه فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی، اقتصاد فرهنگی و پژوهش فرهنگی پرداختند و فرهنگ مانند آموزش جزء تفکیک‌ناپذیر توسعه اقتصادی، اجتماعی به حساب آمد [۴۶].

در همین زمان اولین پروژه‌های بزرگ برای توسعه مجدد شهرها، شروع به استفاده از امکانات فرهنگی نظیر موزه‌ها، سالن‌های کنسرت، تئاتر و سینماها با هدف جذب بازدیدکننده و بهبود سیمای نواحی شهری رو به زوال نمودند [۴۷]. نهضت موزه‌سازی در اروپا که به ویژه بعد از فروپاشی دیوار برلین، به حرکتی چشمگیر برای زنده کردن خاطره‌های جمعی و ایجاد هویتی تازه و منحصربه‌فرد برای شهرها و شهرنشینان تبدیل شده است، نیز یکی از نشانه‌های استفاده از ابزار فرهنگ در مرمت و بازآفرینی شهری بوده است که به واقع به آن دلیل است که به تدریج فرهنگ و پروژه‌های فرهنگی در بازآفرینی شهری اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند [۴].

از دهه ۱۹۸۰ به بعد، بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ به صورت موج عظیمی، پروژه‌های بازآفرینی را در سراسر اروپا تحت تأثیر قرار داده و بازآفرینی فرهنگ محور و استفاده از سرمایه‌های فرهنگی خود را به عنوان گزینه‌ای موفق در عرصه مرمت و بهسازی و نوسازی شهری مطرح کرده است. توجه

حضور فرهنگ به عنوان عاملی که از یک سو ریشه در تاریخ دارد و از سوی دیگر با آرزوها، خواسته‌ها و باورهای انسانها در هم آمیخته و نوعی ویژگی منحصربه‌فرد را برای هر اجتماع انسانی شکل میدهد و بعدی ازلی دارد. فرهنگ و بازنمودهای فرهنگی، همواره به عنوان جزیی جدایی‌ناپذیر از مناسبات شهر محسوب شده و هر شهر و دیاری با فرهنگ و باززده‌های فرهنگی مختص به خود شناخته می‌شده است [۴۵].

تحول بازآفرینی شهری، داستان تعامل و گاه تضاد اولویت‌های اقتصادی و فرهنگی بوده و این موضوع در بستر تغییر پارادایم‌ها و الگوهای حاکم بر نظام‌های سیاسی - اقتصادی و تحولات اجتماعی رخ داده است. نقش فرهنگ در بازآفرینی شهری نسبت به دیگر عوامل تغییر معناداری داشته است، چنانچه در دهه‌های اخیر،

به نقش فرهنگ، استفاده از ارزش‌های تاریخی و فرهنگی به عنوان منابعی برای توسعه و همچنین توجه به گذران اوقات فراغت مردم، مهم‌ترین وجوه این گرایش هستند [۲، ۴]. از زمانی که سیاست‌گذاران و مقامات مسئول شهری به سمت فرهنگ به مثابه ابزار بازآفرینی شهری روی آورده‌اند، کیفیت محیط‌های تاریخی به عنوان بخشی از نوآوری‌ها و ابتکار عمل‌های بازآفرینی شهر به‌طور روزافزونی آشکار گردیده است [۳].

در گزارشی که در سال ۲۰۰۴ برای وزارتخانه فرهنگ، رسانه و ورزش انگلیس، برای آماده‌سازی یک سند خط مشی از مشارکت فعالیت‌های فرهنگی در بازآفرینی تهیه شده است، انواع مشارکت فرهنگ در زمینه‌های مختلف بازآفرینی بیان گردیده [۴] که در جدول زیر قابل مشاهده است.

<ul style="list-style-type: none"> • استفاده مجدد از ابنیه خالی • ارتقا کیفیت محیط زیست • استفاده فرآینده عمومی از فضا که منجر به کاهش نابودی اموال عمومی و افزایش امنیت شود • احساس غرور در یک مکان • توسعه یک فضای کار/ زندگی و با کاربری مختلط (توسعه زندگی پایدار، شهر فشرده، تراکم بالا، اثرات زیست محیطی اندک مثلاً در ترافیک و حمل و نقل) • به کارگیری هنرمندان در گروه‌های طراحی • ادغام ایده‌های فرهنگی در برنامه‌های آینده 	<p>مشارکت فرهنگ در بازآفرینی کالبدی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • سرمایه‌گذاری درونی (نیروهای بخش خصوصی - عمومی) • خرج کردن پول بیشتر (تمایل به پرداخت بیشتر) توسط ساکنین و بازدیدکنندگان • اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم • نگهداشت تحصیل کردگان در محل (هنرمندان / خلاقان) • تنوع مشاغل و نیروی کار (سطح مهارت‌ها) • محرکی در توسعه مناطق کسب و کار، مراکز خرده‌فروشی و تفریحی جدید • مشارکت روزافزون بخش خصوصی و عمومی • مشارکت‌های بیشتر در بخش‌های فرهنگ محلی • افزایش قیمت املاک و مستغلات 	<p>مشارکت فرهنگ در بازآفرینی اقتصادی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • تغییر نگرش و ادراک ساکنین از محل سکونت خویش • تقویت اعتماد به نفس و اشتیاق افراد • ابراز صریح‌تر ایده‌ها و نیازهای فردی و جمعی • افزایش فعالیت‌های داوطلبانه • تحول و دگرگونی اعتبار یک مکان و ساکنین آن • مشارکت بخش خصوصی و عمومی • دستیابی به سطح آموزش بالا 	<p>مشارکت فرهنگ در بازآفرینی اجتماعی</p>

مشارکت فرهنگ در زمینه‌های مختلف بازآفرینی

گذار از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ مبنا

این مطالعه سه مدل از ترکیب فرهنگ یا فعالیت‌های فرهنگی با فرآیند بازآفرینی را معرفی می‌کند: فرهنگ و بازآفرینی، بازآفرینی فرهنگی، و بازآفرینی فرهنگ - مینا [۴۳]. در ادامه توضیحات مختصری در هر زمینه ارائه شده است.

فرهنگ و بازآفرینی

در این مدل فعالیت‌های فرهنگی به طور کامل با برنامه‌ریزی‌های جامع و استراتژی‌های توسعه پیوند ندارد. اغلب به این دلیل که مسئولیت تأمین فرهنگی و بازآفرینی از طریق دیارتمان‌های مختلفی انجام می‌شود یا به دلیل اینکه پشتیبانی لازم وجود ندارد. مداخلات اغلب کوچک مقیاس هستند به‌عنوان نمونه سخنرانی در یک کتابخانه، تشکیل کمیسیون هنرمندان برای ایجاد علائم و مبلمان خیابانی خاص برای ثبت تاریخچه محله، برگزاری یک برنامه موسیقی و مانند این موارد. مثلاً در یک برنامه عمومی هنر، برای پارک، ممکن است یک ساختمان طراحی شده و به صورت یک نمایشگاه میراث یا موزه تاریخی محلی که در گوشه مکان صنعتی احیا شده شکل گرفته، عمل نماید. در بعضی موارد، هیچ تدارکات برنامه‌ریزی شده‌ای وجود ندارد. ممکن است ساکنان (افراد یا سرمایه‌گذاران) و سازمان‌های فرهنگی، به این خلأ پاسخ دهند و خود دخالت کنند [۴].

این مفهوم نشان دهنده استفاده از امکانات یا رویدادهای پراکنده و کوچک مقیاس فرهنگی به عنوان حرکت‌هایی نه‌چندان مرتبط با بدنه اصلی و جانمایی بازآفرینی شهری است. به معنای بهتر، در این نگاه بازآفرینی با رویکرد اصلی آبادگری، فرهنگ را صرفاً نوعی کاربری قلمداد می‌کند که در چارچوب برنامه‌ریزی شهری، می‌تواند سطوحی را به خود اختصاص دهد، به همین منوال هم، در طرح‌های پیشنهادی، سهمی از کاربری‌ها به فرهنگ اختصاص می‌یابد و ردپای این رویکرد در ساختن تک عناصری مانند موزه‌ای در کنار یک مجموعه تجاری، یا وارد شدن جریان‌های خودجوش برای برپایی برنامه‌های هنری یا طراحی مبلمان شهری به چشم می‌آید [۴۳].

بازآفرینی فرهنگی

در این مدل فعالیت فرهنگی به طور کامل با استراتژی‌های مکان در کنار سایر فعالیت‌های حوزه‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی پیوند دارد. مانند رنسانس بیرمنگام که هنرها با سیاست، برنامه‌ریزی و منابع از طریق شورای هنرهای مشترک، کمیسیون‌های توسعه استخدامی و اقتصادی پیوند خورده بودند و به عنوان مثال می‌توان از شهر فرهنگی بارسلون نام برد. این مدل بسیار نزدیک به نظریه برنامه‌ریزی

فرهنگی به منظور سیاست‌های فرهنگی و بازآفرینی شهری است [۴]. چرا که در این رویکرد، پروژه‌های فرهنگی گسترده‌ای قابلیت تعریف دارند که در بسیاری مواقع به سوی توسعه مجدد با رویکرد فرهنگی نیل می‌یابند و نیازمند صرف هزینه‌های کلان و مدت‌زمان طولانی برای رسیدن به اهداف خود هستند. در این نگاه کارکردهای فرهنگی خود را به عنوان جزئی از راهبردهای توسعه‌ای می‌شناسانند. در چارچوب نگاه سه گانه زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی به توسعه، فرهنگ می‌تواند نیرویی در جهت درگیر ساختن، یا ارتقاء هرکدام از این عوامل باشد و موجب رونق اقتصادی، سرزندگی اجتماعی و برقراری کیفیت زیست محیطی گردد [۴۳].

بازآفرینی فرهنگ - مبنا

حضور پررنگ فرهنگ در عرصه سیاست‌های شهری در دو سه دهه اخیر تا آنجا پیش رفته که بخش قابل ملاحظه‌ای از تاریخ مداخلات در بافت‌های فرسوده شهری عنوان بازآفرینی شهری فرهنگ - مبنا را به خود اختصاص داده است [۲۷]. در این مدل، فعالیت‌های فرهنگی به عنوان کاتالیزور و موتور بازآفرینی به حساب می‌آیند. فعالیت‌ها احتمالاً نمایش عمومی قابل توجهی دارند و اغلب به عنوان نماد بازآفرینی ذکر می‌شوند. فعالیت می‌تواند طراحی و ساخت (یا استفاده مجدد) از یک ساختمان یا ساختمان‌های عمومی یا کاربری تجاری، احیاء فضای باز، یا معرفی یک برنامه که فعالیت فرهنگی در آن به عنوان تعریف مجدد برند آن مکان استفاده می‌شود، باشد [۴].

این رویکرد، رویکردی امروزی و یکپارچه‌نگر است و فعالیت‌ها و رویدادهای فرهنگی را به مثابه عامل تسهیل‌گر و نیروی محرکه بازآفرینی شهری قرار می‌دهد. در جریان بازآفرینی فرهنگ - مبنا، معمولاً مجموعه‌ای از بناها به منظور استفاده‌های عمومی و اداری مورد طراحی یا استفاده دوباره قرار می‌گیرند. از فضاهای شهری استفاده‌های تازه‌ای صورت می‌گیرد و رویدادها و فعالیت‌های جدیدی که می‌تواند در آینده موجب شهرت و محبوبیت مکان‌ها شود، پیشنهاد می‌گردد [۴۳].

این رویکرد هم در شهرهای دارای بافت‌های تاریخی و فرهنگی با احیای این بافت از طرق و روش‌های گوناگون و هم در شهرهای کوچک و بدون قدمت تاریخی زیاد از طریق برگزاری جشنواره‌ها و فستیوال‌های ملی و بین‌المللی فرهنگی و هنری به منظور بهره‌گیری اقتصادی جهت بازآفرینی مراکز شهری بهره‌گیری می‌نمایند [۱۳]. رابطه فرهنگ و بازآفرینی به اختصار در جدول صفحه بعد آمده است.

رابطه	خصوصیات	نحوه ظهور در پروژه‌های شهری	اقدام کالبدی
فرهنگ و بازآفرینی	استفاده از امکانات یا رویدادهای پراکنده و کوچک مقیاس فرهنگی به عنوان حرکت‌هایی نه چندان مرتبط با بازآفرینی، نگاه به فرهنگ صرفاً به عنوان نوعی کاربری، عدم مدیریت واحد، عدم ادغام فرهنگ در بازآفرینی	تعریف پروژه‌های کوچک مقیاس و تک‌عنصری مانند موزه‌ای در کنار یک مجموعه تجاری، طراحی مبلمان شهری	حفاظت تک بنا ابقا
بازآفرینی فرهنگی	فعالیت فرهنگی در کنار سایر فعالیت‌های حوزه‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی، نیازمند صرف هزینه‌های کلان و مدت زمان طولانی، کارکرد فرهنگی به عنوان جزئی از راهبردهای توسعه‌ای، رونق اقتصادی، سرزندگی اجتماعی و برقراری کیفیت زیست محیطی	پروژه‌های گسترده فرهنگی مانند موزه بیلبائو	حفاظت بافت ارتقا
بازآفرینی فرهنگ-مبنا	فعالیت‌ها و رویدادهای فرهنگی به عنوان کاتالیزور و موتور بازآفرینی، فعالیت‌هایی با نمایش عمومی قابل توجه، احیاء بافت‌های تاریخی و فرهنگی	استفاده دوباره مجموعه‌ای از بناها به منظور استفاده‌های عمومی و اداری، برگزاری جشنواره‌ها و فستیوال‌های ملی و بین‌المللی فرهنگی و هنری	توسعه عرصه همگانی حفاظت احیا

رابطه فرهنگ و بازآفرینی

گذار از بازآفرینی فرهنگی به بازآفرینی فرهنگ - مبنا، دلایل و انگیزه‌هایی دارد که وجه اقتصادی آن نیز در این میان قابل توجه است. پرهزینه و زمان بر بودن بازآفرینی فرهنگی از یک سو و تأکید بازآفرینی فرهنگ - مبنا بر رویدادمداری و ترویج فعالیت‌های فرهنگی همزمان با احیا و حفاظت از میراث شهری از سوی دیگر، اصلی‌ترین عامل این گذار بوده است. برای شکل‌گیری رهیافت فرهنگی در جریان بازآفرینی، نوعی حرکت بطئی و فرآیند تطبیق‌پذیر نمودن جریان توسعه با رویدادها و انگیزه‌های مبتنی بر فرهنگ وجود دارد

که می‌تواند در جایگاه خود، تعریف کننده شیوه‌ای برای رسیدن گام به گام به شرایط بازآفرینی فرهنگ - مبنا باشد [۴۳].

بازآفرینی شهری فرهنگ - مبنا

فرهنگ جنبه ضروری درک و نیاز جامعه است زیرا توسعه در بستر فرهنگ شکل می‌گیرد [۴۸] و هدف بازآفرینی شهری فرهنگ - مبنا توجه به حفظ ارزش‌های فرهنگی است و حفاظت از ثروت‌های بومی در جهت اعتلای نقش فرهنگی بازآفرینی شهری در محیط اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار است [۵]. مشارکت هنرمندان نیز در بازآفرینی به علت شفاف کردن هویت فرهنگی یک مکان ضرورت دارد [۴۹].

سیاست به کارگیری فرهنگ، به دنبال رکود سریع اقتصادی و تحول اجتماعی و اقتصادی غالب شهرهای اروپا در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به عنوان بخشی از بازآفرینی شهری پدیدار شد. در واقع از دهه ۱۹۷۰ میلادی، بسیاری از شهرهای اروپایی، شاهد نوعی تجدید ساختار ناخواسته شدند که دلایل آن را جابجایی صنایع و به تبع آن اشتغال، مهاجرت طبقه متوسط شهری به حومه‌ها، تغییر الگوی اشتغال، توسعه مراکز خرید در خارج از شهرها و افزایش مالکیت و وابستگی به خودروی شخصی دانسته‌اند. تبعات چنین جریان‌های بروز فقر، بزهکاری و بیکاری در مراکز شهری بود و می‌توان انگیزه ظهور بازآفرینی شهری با رویکرد بکارگیری عامل فرهنگ و صنایع خلاق را در همین واقعیت جستجو کرد. بازآفرینی فرهنگ - مبنا به عنوان ابزاری برای بازآفریدن محدوده‌های زوال یافته و جوامع محرومی که ساکن آن محدوده‌ها هستند، تعریف می‌شود [۵۰].

در این رویکرد ایجاد مراکز فرهنگی و وقوع فعالیت‌ها در مکان‌های عمومی به عنوان کاتالیزور و موتور محرک بازآفرینی شهری در بافت‌های کهن محسوب می‌گردد. فعالیت‌ها احتمالاً نمایش عمومی قابل توجهی دارند و اغلب به عنوان نماد بازآفرینی ذکر می‌شوند. فعالیت می‌تواند طراحی و ساخت (یا استفاده مجدد) از یک ساختمان یا ساختمان‌های عمومی یا کاربری تجاری، احیای فضای باز، یا معرفی یک برنامه که فعالیت فرهنگی در آن به عنوان تعریف مجدد برند آن مکان استفاده می‌شود، باشد [۴۵].

چرا که این عرصه همگانی و فضاهای نیمه عمومی وابسته به آن است که زمینه را برای تعاملات اجتماعی مهیا می‌کند و بخش عمده‌ای از بنیان تراکنش‌های یک محدوده را شامل می‌شود. چنین فعالیت‌هایی هستند که در کنار فعالیت‌های مهم دیگری همچون قدم زدن و مردم‌نگری کیفیت پویایی مکان‌های شهری موفق را رقم می‌زنند [۴]. بازآفرینی شهری فرهنگ - مبنا در جستجوی آن است که با ساحات کالبدی، کارکردی و تصویری مکان سازگاری حداکثری ایجاد نماید [۲۷].

بازآفرینی فرهنگ - مبنا همچنین بر صنایع خلاق به عنوان عامل اصلی حرکت موتور

گذار از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ مبنا

بازآفرینی تأکید می‌کند. این رویکرد با استفاده از کاربرست فرهنگ در قالب صنایع خلاق و فعالیت‌های مبتنی بر فرهنگ، مسیر شکوفایی و رشد اقتصاد محلی را در بافت‌های تاریخی هموار می‌سازد. هر فعالیتی که توسط انسان صورت می‌گیرد اساساً متکی به فرهنگ و آن فعالیت تابع خصوصیات فرهنگی جامعه است. این امر در فضاهای شهری به شدت مطرح است، بنابراین در فرآیند بازآفرینی فرهنگ - مبنا فرهنگ مستقیماً از طریق نظام فعالیت‌ها و با هدایت هنجاری و ارزشی آن، با ارائه دستورالعمل‌های معین ناظر بر انجام فعالیت، بر فضا و محیط شهری تأثیرگذار است و فضای شهری را محصولی فرهنگی می‌نماید. بازآفرینی فرهنگ - مبنا با بهره‌گیری از اصول و ابزارهای متمایز خویش، باعث رونق بخشی و احیای فعالیتی شده و از این مسیر به شکوفایی اقتصادی و احیای بافت‌های شهری مورد نظر خویش دست می‌یابد [۵۰].

طبقه خلاق شامل افرادی است که در علم، مهندسی، معماری و طراحی، آموزش، هنر و سرگرمی ایده‌های جدید، فناوری نوین و یا محتوایی خلاقانه را عرضه می‌کنند. شهرهایی که بتوانند مجموعه‌ای از چنین افراد را در خود جای دهند و شبکه منسجمی از آن‌ها در درون خود بسازند می‌توانند در وضعیت اقتصادی-اجتماعی مناسبی قرار بگیرند و بدون شک به دلیل فضای رقابتی حاکم بر شهرهای پسا صنعتی در بستری مناسب از سازوکارهای جهانی تثبیت شوند [۲۷]. صنایع خلاق یا همان صنایع فرهنگی سابق، موسیقی، عکاسی، تبلیغاتی، طراحی گرافیک و ارتباط تصویری، نشر کتاب، مَد، فیلم‌های کوتاه و مردم پسند، فیلم و تلویزیون را شامل می‌شود [۵۰].

در بازآفرینی فرهنگ - مبنا، فضاهای عمومی به عنوان مکانی جهت گردآمدن مردم و دمیدن روح شهروندی تحت لوای فرهنگی قوی عمل می‌کنند [۵]. فضای عمومی به عنوان فضایی با قابلیت دسترسی عمومی مکان اصلی عرضه فرهنگ عمومی است که می‌توانند منجر به ایجاد هویت منحصر به فردی برای محدوده شود [۵۱]. امروزه شهرها در رقابت فزاینده‌ای قرار گرفته و هر روز بیشتر و بیشتر مورد برنامه ریزی و طراحی واقع می‌شوند تا گردشگران، ساکنان و مشاغل را به خود جذب کنند. نوعی بازگشت به فرهنگ در شهرهایی که در آن‌ها با هدف احیای اقتصاد، تمایل قابل توجهی برای برندسازی و بازپیرایی شهرها به عنوان مراکز فرهنگ به چشم می‌خورد، رخ داده است. این فرآیند نشان دهنده رقابت و تلاش شهرها برای حفظ تداوم خویش در زمینه جهانی شدن و اقتصاد مبتنی بر خلاقیت و نوآوری است [۵۰]. باززنده سازی مناظر فرهنگی یکی دیگر از راهکارهای بازآفرینی فرهنگ - مبنا است. باززنده سازی منظر تاریخی آرکئولینک، باززنده سازی کاسل گراند، پمپئی، باززنده سازی خندق‌های رودس یونان و طاق بستان نمونه‌های عینی از این راهکار هستند [۵۲].

تسهیلات فرهنگی جایگاه قابل توجهی در سهولت بخشی به بکارگیری و اجرای

سیاست‌های مبتنی بر فرهنگ به دست آورده اند و تا کنون اهمیت نقش این تسهیلات در به جلو راندن فرآیند بازآفرینی شهری فرهنگ-مینا خدشه دار نگردیده است. تسهیلات فرهنگی، گستره وسیعی از فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد که شامل موزه‌ها، تئاترها، گالری‌ها، باغ وحش‌ها، مجموعه‌های ورزشی، و سایر فعالیت‌هایی است که مصرف محلی خدمات فرهنگی گوناگون را تسهیل می‌سازند. تسهیلات فرهنگی ممکن است با جذب گردشگر به اقتصاد شهر کمک کنند، اما می‌توانند مجموعه‌ای از برنامه‌های آموزشی را نیز برای طیف گسترده تری از عموم مردم ارائه دهند. همچنین، آن‌ها علاوه بر ارتقای تصویر شهر، قادر به ایجاد اشتغال برای هنرمندان محلی نیز می‌باشند. موارد زیر، اقداماتی است که می‌توان در زمینه فعالیت‌ها و تسهیلات فرهنگی، مورد استفاده قرار داد:

تداوم برنامه‌ای مربوط به هنرهای مردمی، ایجاد و کمک به گروه‌های خصوصی یا غیرانتفاعی برای افتتاح موزه‌ها و گالری‌ها و هنرهای نمایشی، سازماندهی رویدادهای فرهنگی، ارتقای فعالیت‌های هنری و فرهنگی، حفاظت از فضاهای عمومی و ساختمان‌ها یا عناصر شاخص تاریخی، ایجاد یک محدوده هنری یا فرهنگی (محل‌های فرهنگی)، گشایش یک مرکز هنری یا فرهنگی برای اجتماع مورد نظر [۵۰].

می‌توان تسهیلات و اقدامات مبتنی بر فرهنگ در توسعه اقتصاد شهری را، در سه دسته راهکار فرهنگی- اقتصادی قرار داده و از این منظر به آن نگریست. در این زمینه بنا به نظر گروداچ و لوئیکایتو سایدز، پس از بررسی ادبیات توسعه شهری، سه دسته راهکار فرهنگی قابل استخراج است: راهکارهای کارآفرینانه، راهکارهای طبقه خلاق و راهکارهای پیش رونده. هر یک از این راهکارها مبتنی بر مجموعه‌ای ضابطه مند از ویژگی‌ها است که شامل مواردی چون اهداف، نوع پروژه فرهنگی مد نظر، تمرکز جغرافیایی، و جمعیت هدف است [۵۰].

راهکارهای کارآفرینانه :

راهکارهای کارآفرینانه، احداث مراکز بزرگ سرگرمی و تسهیلات فرهنگی را به منظور ارتقای شهر در راستای جذب گردشگر، در دستور کار خویش قرار می‌دهد. چیزی که در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ به عنوان سرمایه‌گذاری‌های خصوصی- عمومی و به منظور بازآفرینی مراکز شهری در حال زوال و ایجاد فضاهای خرده فروشی در محیط‌های با حال و هوای تاریخی آغاز گشت، به پروژه‌های ساخت مجموعه‌های پیشگام فرهنگی و رویدادهای جذاب و دیدنی فرهنگی که برای خیره ساختن نگاه‌ها به سوی خود، با یکدیگر رقابت می‌کنند، تقسیم شده و گسترش یافت. سیاست‌های فرهنگی و بازارهای فعالیتی مرتبط با تسهیلات فرهنگی بزرگ مقیاس مانند برگزاری همایش‌ها، کنفرانس‌ها

گذار از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ مینا

و نمایشگاه‌های بین‌المللی و ملی، کنسرت‌های موسیقی مردمی، پارک‌های موضوعی، جشنواره‌های فیلم و عکس، المپیک‌های ورزشی و مواردی از این نمونه.

در واقع در راهکارهای کارآفرینانه، پروژه‌های فرهنگی، به عنوان ابزار باارزشی برای ارتقای موقعیت شهرها و هویت شاخص آن‌ها مطرح شده‌اند که با تمرکز بر گردشگری فرهنگی، برنامه‌های هنری دسته‌جمعی و برگزاری رویدادهای بزرگ در سطح ملی و بین‌المللی در شکوفایی اقتصادی نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند [۵۰].

راهکارهای طبقه خلاق :

راهکارهای طبقه خلاق بر توسعه مجموعه‌های متمرکز و دارای مقیاس کوچکتر در زمینه موسیقی و سالن‌های هنرهای نمایشی و نمایشگاه‌های هنری تأکید می‌کند. این دسته راهکارها به منظور جذب طبقه خلاق بر مسأله کیفیت زندگی و تسهیلات مرتبط با سبک زندگی عموم متمرکز هستند. این رویکرد مبتنی بر این فرض است که شهرها باید محله‌های شهری تاریخی و چند عملکردی خود، فعالیت‌های فرهنگی و فراغتی، و تنوع قومی خود را به منظور جذب کسانی که متمایل به ایجاد کسب و کار در اقتصاد جدید هستند، حفظ کرده و ارتقا بخشند [۵۰].

این راهکارها دارای سیاست‌های فرهنگی و بارزهای فعالیتی مرتبط با تسهیلات فرهنگی کوچک مقیاس مانند موزه‌ها و گالری‌های کوچک با مجموعه‌های منحصر به فرد، موزه‌های محلی، برگزاری هنرهای نمایشی، ایجاد کارگاه‌های هنری و صنایع دستی و... هستند.

راهکارهای پیش‌رونده :

راهکارهای فرهنگی پیش‌رونده به دنبال گسترش دسترسی و مشارکت در هنر، حمایت از تولیدات فرهنگی محلی و به‌کارگیری هنر برای تقویت هویت اجتماع و احیای محلات محروم هستند.

راهکارهای کارآفرینانه به طور روشنی رویکردهای کنشگرا، پویا و تحت تأثیر نیروهای بازار را دنبال می‌کنند و صرفاً توسط اهداف اقتصادی هدایت می‌شوند؛ راهکارهای طبقه خلاق در جستجوی توسعه اقتصادی هستند که از خلال ارتقای کیفیت زندگی و تسهیلات تفریحی و فراغتی قابل دستیابی است؛ و راهکارهای پیش‌رونده، به دنبال رویکردهای مردمی و محله-مبنا در توسعه فرهنگی هستند که در جستجوی پاسخگویی مستقیم به نیازهای جوامع محلی و نهادهای هنری می‌باشند.

راهکار	اهداف	گونه شناسی برنامه‌ها و پروژه‌های فرهنگی	تمرکز جغرافیایی	جمعیت هدف
کارآفرینانه	<ul style="list-style-type: none"> • رشد اقتصادی از طریق گردشگری و تصویر ذهنی شهر • تسهیل سرمایه گذاری‌های بخش خصوصی 	<ul style="list-style-type: none"> • پروژه‌های فرهنگی پیشگام • رویدادهای نمایشی و دوره‌ای • فعالیت‌های ارتقا دهنده قیمت 	<p>هسته‌های اولیه شهری در مرکز شهر</p>	<p>گردشگران، شرکت کنندگان در گردهمایی‌ها، ساکنان مرفه و حومه‌نشینان بخش‌های مرفه</p>
طبقه خلاق	<ul style="list-style-type: none"> • رشد اقتصادی از طریق تسهیلات مرتبط با کیفیت زندگی • جذب ساکنان و کارکنان جدید اقتصاد خلاق 	<ul style="list-style-type: none"> • محدوده‌های هنری و سرگرمی • یکپارچگی و انسجام بین هنر و بخش خصوصی 	<p>بخش مرکزی شهر و محلات تاریخی شهری</p>	<p>ساکنان فعلی و آتی متخصصان دانش شهری جوان و مشاغل دانش-مبنا</p>
پیش رونده	<ul style="list-style-type: none"> • توسعه اجتماع • آموزش هنر و دسترسی به محصولات فرهنگی محلی 	<ul style="list-style-type: none"> • مراکز هنری اجتماع • برنامه‌های آموزشی هنری 	<p>محلات بخش درونی شهرها محلات محروم</p>	<p>ساکنان محروم</p>

مقایسه ویژگی‌های راهکارهای اقتصادی در توسعه شهری مبتنی بر فرهنگ [۵۰]

بنابراین می‌توان در بافت‌های درونی و هسته‌های مرکزی شهرها، با اطمینان به نتایج فرآیند بازآفرینی، از رهیافت فرهنگی و ویژگی‌های مثبت آن بهره جست. این رهیافت، به کالبد دیروز احترام می‌گذارد و ساختارهای نو را در همخوانی با ساختارهای دیروز، به این ترکیب می‌افزاید و محتوا و کارکردی را ارائه می‌دهد که روستا ساخت آن جریان فرهنگی و اجتماعی و زیرساخت آن سازوکاری کاملاً اقتصادی و پربازده است [۴۵].

به منظور داشتن یک پروژه موفق بازآفرینی فرهنگ - مبنا لازم است سه دسته راهبرد با یکدیگر یکپارچه شوند که در جدول صفحه بعد آمده است.

گذار از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ مبنا

نتایج	اهداف	راهبرد
افزایش رقابت‌های جهانی شهرهای خلاق حیات بخشی به اقتصاد محلی و اقتصاد شبانه افزایش ارزش املاک و مستغلات احیاء ساختمان‌ها اجتماع متنوع محیط زندگی بهتر کشف تاریخ محلی حفاظت از آیین فرهنگی	به منظور توسعه اقتصاد خلاق و صنایع فرهنگی و جذب طبقه خلاق	تولید فرهنگی
	بازاریابی مکان و ساخت مکان گردشگری فرهنگی و حفاظت از میراث	مصرف فرهنگی
	برنامه‌های فرهنگی مشارکتی	برنامه‌های مشارکتی

راهبردهای بازآفرینی فرهنگ - مبنا [۵۳]

اصطلاح روش فرهنگی تولید به سیستمی متعادل از تولید فرهنگی و مصرف فرهنگی اطلاق می‌گردد که مزایای لازم برای انباشت سرمایه فرهنگی را جهت ایجاد تولیدات و خدمات در اقتصاد و همچنین ارزش‌های فرهنگی در نظامی که مصرف تولیدات فرهنگی در آن تحریک می‌گردد به همراه خواهد داشت [۲۷].

تجارب بازآفرینی شهری فرهنگ - مبنا

مجموعه چند منظوره فرهنگی - تجاری بین الحرمین - شیراز

این مجموعه، مجموعه ای است چند عملکردی، که نقش مفصل ارتباطی بین دو مکان مذهبی در یک بافت قدیمی را دارد که طرح آن توسط دو مشاور داخلی بنکوه سازان و خارجی B.E داده شده است. طرح پیشنهادی براساس معیارها و ویژگی های زیر طراحی شده است:

- ایجاد ارتباط بین دو حرم مطهر تاریخی و مذهبی شیراز از طریق احداث مجموعه ای از عناصر با ارزش کالبدی براساس محوریت پیاده.
- فراهم آوردن بستر توسعه و باز زنده سازی بافت های فرسوده اطراف.
- تقویت محور پر قدرت ستون فقرات

شهری بافت قدیم در حدفاصل شاهچراغ و دروازه حضرتی از طریق تقویت محور بین الحرمین.

ایجاد کاربری های غالب فرهنگی ، تجاری و سیاحتی در محدوده طرح. ایجاد پویایی و تحرك با آمیختن فضاهای جدید و قدیم شهری و باززنده سازی بافت کهن از این طریق.

حل تضاد مابین حفظ هویت و ایجاد تحول فضایی در بافت و توجه به این نکته که طراحی در بافت قدیم صرفا تقلید محض از بافت موجود نیست، بلکه استحاله آن در بافتی نو است که به آیندگان نشان می دهد که طراحی در مقطعی دیگر از تاریخ صورت گرفته است.

منطقه و ایجاد فضاهای تجاری خدماتی متناسب با بافت پیشنهاد شده است. اما در کنار بافت ریزدانه ای که با پیوندهایی ارگانیک، یکی از سنتی ترین و زنده ترین عرصه های زیستی شیراز بوده است، بافت درشت دانه ناهمگونی با هدف هجمه اقتصاد سوداگرانه وارداتی به اقتصاد پایدار گردشگری ایجاد شده است [۵۵].

از نظر خدمات پیشنهادی، استقرار انواع و اقسام کاربری ها در مقیاس شهری در این محدوده که از جمله آن ها می توان به هتل، دفتر اداری و مرکز خرده فروشی و محدوده های مسکونی و غیره اشاره نمود که سنخیتی با ساختار عملکردی محدوده بافت تاریخی و مقیاس عملکردی آن ندارد [۵۶]. از طرفی پروژه در سه فاز طراحی و اجرا می گردد که اجرا و بهره برداری فاز یک که شامل بخش های تجاری بوده به پایان رسیده، در حالی که در فازهای دو و سه مجموعه که شامل بخش های فرهنگی و خدماتی است، پس از گذشت ۱۳ سال هنوز اقدام چشمگیری دیده نمی شود [۵۷].



مجموعه فرهنگی-تجاری بین الحرمین

- حفظ اصول کلی ناپیوستگی و متخلخل بودن بافت و هماهنگی دانه بندی آن با بافت موجود.
 - اتصال تعریف شده با عناصر مهم کالبدی طرح از طریق گشایش فضایی.
 - ارتباط با شاهچراغ از طریق گشایش فضایی در دهانه مرکزی بازار شاهچراغ به عنوان نقطه ای برای تقرب فضایی در دهانه مرکزی و بقعه مطهر.
 - ایجاد مرکز تجمع فعالیت های جمعی و مراسم مذهبی در حدفاصل مسجد مقیمیه، مسجد طاهری، منصوریه و ارتباط قوی این میدان مرکزی با مسجد عتیق و پیوند فضایی کالبدی مسجد عتیق و مجموعه از این طریق.
 - ایجاد پیوند منطقی بین بافت های قدیم و جدید از طریق گشایش فضایی و احداث فضاهای سبز و ارتباط متقابل فی مابین.
 - بهره گیری از عنصر آب در طراحی مجموعه.
 - بهره گیری از عناصر و فضاهای سبز در طراحی مجموعه.
 - فراهم آوردن بستر سرمایه گذاری در بافت قدیم از طریق طراحی مجموعه ای ارزشمند در بین الحرمین.
 - ایجاد فضاهای شهری غنی و جذاب در سطوح فراشهری، ملی و فراملی.
 - ملاحظات ترافیکی [۵۴].
- این پروژه با هدف جذب سرمایه گذاری به



کارخانه ریسباف - اصفهان

کارخانه ریسباف، از جمله کارخانجات نساجی اصفهان است که طی سالیان گذشته به دلایل متعدد از رونق افتاد. این کارخانه دارای معماری منحصر به فردی است که تحت عنوان معماری معاصر از آن یاد می‌شود. به همین دلیل موضوع حفظ و مرمت این بنای تاریخی سال‌ها به دغدغه مردم این استان تبدیل شده بود که در نهایت مجموعه ریسباف را وزارت راه و شهرسازی از طریق شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران خریداری کرده است. در سال ۸۱ میراث فرهنگی این کارخانه را ثبت ملی کرده است. بعد از تعطیلی کارخانه ریسباف به دلیل بدهی، بانک ملی پرداخت بدهی‌ها را

تقبل و کارخانه را تملک می‌کند. اما به جز فضاهای قرار گرفته بر خیابان چهارباغ بالا که از آن‌ها به عنوان شعبه و دفتر اداری بانک استفاده می‌شد، از دیگر فضاهای کارخانه استفاده ای نمی‌شد.

به گفته دبیر دبیرخانه تغییر کاربری کارخانه ریسباف اصفهان این بانک نگاه اقتصادی به قضیه داشت که یک زمین بزرگ دارد و باید حداکثر سود ممکن را از فروش آن ببرد، از سوی دیگر در طرح‌های جامع و تفصیلی که در سنوات گذشته در اصفهان تهیه شده بود، لکه کارخانه ریسباف لکه فرهنگی دیده شده بود بنابراین با یک لکه تجاری یا مسکونی قیمت‌ها متفاوت می‌شد، همچنین ثبت میراث فرهنگی هم داستانی داشت. متولیان در بانک ملی شاید قدری شناخت‌شان در آن زمان کمتر بود و این باعث شد فرآیند انتقال مالکیت و به نتیجه رسیدن بحث‌ها طولانی‌تر شود، حتی در مراحل پایانی، کار به رایزنی توسط وزیر راه و اقتصاد کشیده شد و از آن طریق مشکل بالاخره حل شد و سرانجام انتقال مالکیت در دی ماه سال ۹۵ رخ داد.

از سال ۱۳۹۴ اقداماتی مانند مستندنگاری، کارهای پژوهشی و مطالعاتی، تهیه کتاب معرفی این مجموعه، برگزاری نشست‌های میراث صنعتی از سوی دبیرخانه در راستای احیای کارخانه ریسباف که مراحل اولیه خود را آغاز کرده، انجام شده است. از سویی مستندنگاری نمونه‌های موفق خارجی در قالب یک کتاب در دست چاپ است. همچنین مستندنگاری نمونه‌های



کارخانه ریساف- اصفهان

موفق اجرا شده در داخل برخی بناهای ایران هم در حال چاپ است [۵۸]. این اثر دارای کاربری چند منظوره فرهنگی- تاریخی خواهد بود و مقدمات تبدیل این کارخانه به موزه هنری اصفهان فراهم شده است شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران و اداره کل راه و شهرسازی استان اصفهان در تیرماه سال جاری از طریق برگزاری مسابقه، نسبت به جمع‌آوری ایده‌ها جهت بازآفرینی مجموعه صنعتی ریساف اقدام کرده‌اند و وزارت راه و شهرسازی نیز از این پروژه حمایت خواهد نمود.



نمای کلی کارخانه ریساف- اصفهان

گذار از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ‌مبنا



مرکز نمایشگاهی و کنفرانس اس ای سی سی - انگلستان

تا راهی اقتصادی پیدا کنند، راه حلی که شرایط مناسب چنین مجموعه ای را نظیر سالن تئاتر، اودیتوریوم، سالن‌های نمایشگاهی و همچنین فضاهایی که بتوانند پذیرای برگزاری جلسات مختلف باشند، فراهم آورد. کانسپت طرح از تکنیک سازه‌های دریایی که سبب شهرت کارگاه‌های حاشیه رودخانه کلاید که از شهر گلاسکو می‌گذرد، متأثر شده است. شکل آناتومیک ساختمان قبل از هر چیز

این مرکز در سال ۱۹۹۷ توسط نورمن فاستر با مساحتی بالغ بر ۲۰۰۰۰ متر مربع و با حمایت شهرداری گلاسکو در جهت بازآفرینی فرهنگ محور این شهر ساخته شد. در بریتانیا، بناهای بسیار کمی وجود دارند که فضاهای قابل انطباق و مناسبی را در اختیار وقایع مختلفی قرار دهند که از درجه اهمیت متفاوتی برخوردارند و بتوانند هم زمان در یک مجموعه در کنار یکدیگر قرار گیرند. مرکز نمایشگاهی و کنفرانس اسکاتلند در گلاسکو پاسخی به این ضرورت است. از سویی این مرکز تنها مرکز اروپایی است که گنجایش سه هزار نفر را دارد. بودجه اندکی که به این مجموعه اختصاص داده شد، طراحان را وادار کرد



یک پوشش زرهی محافظت کننده است که از لایه‌های همپوشاننده و به هم متصل نظیر لایه‌هایی که بدن گورکن را پوشش می‌دهد، تشکیل شده، از این رو مجموعه نیز به همین نام (گورکن) شهرت دارد. لایه‌های پوسته از فولاد پوشیده شده اند که در روز نور خورشید را منعکس کرده و در شب بستر رودخانه را روشن می‌کنند، عاملی که به مرکز در شب و روز دو سیمای متفاوت می‌دهد. شکل بنا که باعث اعتلای محیط پیرامون آن می‌گردد، هم زمان یکی از سمبل‌های شهر بوده و در شهرت گلاسکو به عنوان یک مرکز داد و ستد و مبادله فرهنگ جهانی نقش دارد.



جانمایی مرکز کنفرانس اس ای سی سی در سایت



گذاشتن رقابت موجود میان این دو شهر، تصمیم به حل مشکلات اجتماعی این دو محدوده و بازگرداندن جمعیت به این مراکز از طریق تدوین طرح بازآفرینی شهری مشترک برای این محدوده‌ها گرفتند. احیای این محدوده از طریق سه پروژه اصلی طراحی گالری موزه هنرهای معاصر بالتیک، مرکز موسیقی سیج گیتزهد و پل هزاره گیتزهد، توسعه مسکونی و دو هتل بین المللی که از طریق پل هزاره به محور مجاور رودخانه تین متصل می‌شوند، انجام شده است. این توسعه‌ها زندگی جدیدی را به نیوکاسل و گیتزهد بخشیده

بازآفرینی فرهنگ - مبنا

در نیوکاسل و گیتزهد - انگلستان

پروژه نیوکاسل و گیتزهد در انگلستان به عنوان نمونه‌هایی موفق از بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ که تأثیری مثبت بر دل‌بستگی مکانی نیز داشته‌اند، شناخته می‌شوند [۵۱]. این دو محدوده که در حاشیه رودخانه تین در شمال شرقی انگلستان واقع شده‌اند در نیمه دوم قرن بیستم با آسیب‌های بسیار ناشی از افول فعالیت‌های صنعتی و نزدیکی به معادن ذغال سنگ مواجه شدند. بسیاری از سکنه اصیل، این شهرها را ترک کردند و مشکلات اجتماعی نیز میان بازماندگان در ناحیه شدت یافت. در آغاز دهه ۱۹۹۰ شورای شهر نیوکاسل و گیتزهد با کنار



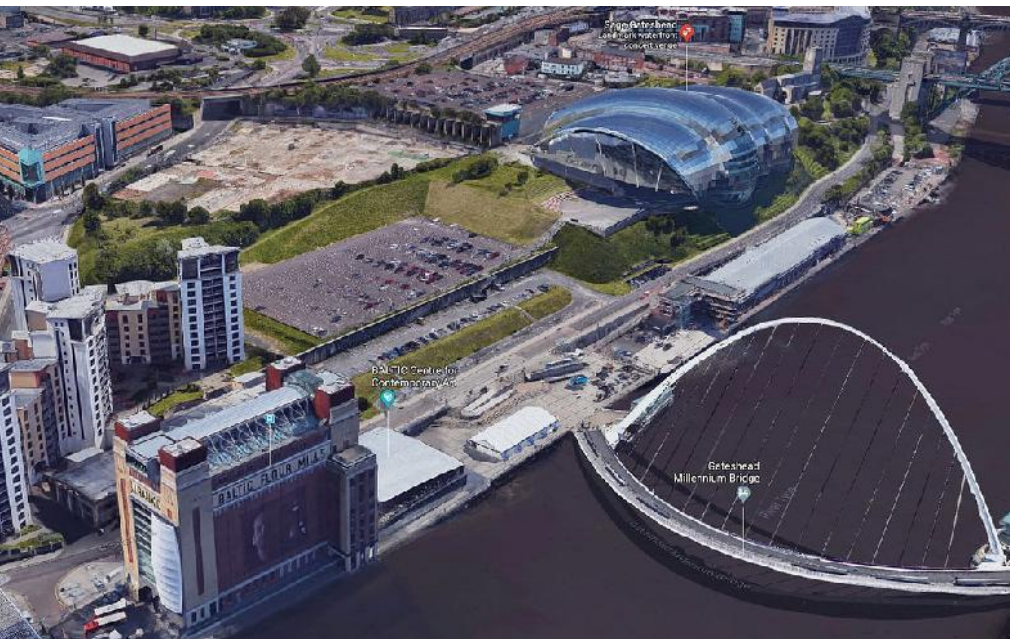


گیتزهد بردلستگی مکانی ساکنان، نشان می‌دهد که فعالیت‌های انجام شده در این دو محدوده منجر به ارتقای نقش هنر در زندگی ساکنان شده و حس غرور را در آن‌ها (در بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳) تقویت کرده است [۵۹].

رویداد در گیتزهد

و کل منطقه را با ایجاد یک نقطه کانونی عمومی و تعریف تصویری جدید از آن احیا و نوسازی کرده است [۱۲].

در این پروژه‌ها از هنر عمومی به عنوان ابزار مشارکت در پروژه‌های بازآفرینی بهره گرفته شده است تا با اعطای معنی جدید به بافت فرسوده و تأکید بر میراث فرهنگی مکان‌ها و استفاده از آن‌ها در توسعه مجدد محدوده، آشنایی ساکنان با محدوده و حس غرور شهروندی ارتقا یابد. علاوه بر این، این موضوع منجر به جذب سرمایه گذاران خارجی و گردشگران شهری نیز شده است [۵۱]. نتایج بررسی‌های پیتر ون درگرف (۲۰۱۰) درباره تاثیر پروژه‌های بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ در نیوکاسل و



محدوده بازآفرینی شده گیتزهد

گذار از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ مینا

میدان فرهنگی فدراسیون ملبورن - استرالیا



میدان فرهنگی فدراسیون

با برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌های علمی و دعوت از اندیشمندان صاحب‌نظر و کارآفرینان و پژوهشگران، زیرساخت‌های فرهنگی جهت گسترش نوآوری و رشد در شهر ملبورن انجام پذیرفت (مانند نوسازی، بهسازی موزه‌ها، مراکز هنرهای معاصر، گالری‌های ملی، کتابخانه‌ها و تئاترها). با تأکید فراوان بر سیمای چند فرهنگی شهر، هم‌اکنون ملبورن نقطه‌ی اوج هنر و موسیقی و معماری در استرالیا است. احترام به مقوله‌ی چند فرهنگی، این شهر را به شهر تحمل‌پذیر فرهنگ‌ها و پذیرش مهاجرین با زمینه‌های تاریخی گوناگون تبدیل کرده است و مردمان بیش از ۱۴۰ ملیت در آن زیست می‌کنند. جاذبه‌های فرهنگی، شهر را به یک شهر گردشگری تبدیل نموده است و در سال ۲۰۰۴ بالغ بر ۳ میلیون نفر از آن بازدید کرده‌اند و این شهر شاهد برگزاری ده‌ها رویداد بزرگ فرهنگی و ورزشی است [۶۰].

از جمله میدان‌های مهم شهر ملبورن استرالیا که به دلیل جاذبه‌های فرهنگی و هنری خود توجه بازدیدکنندگان بی‌شماری

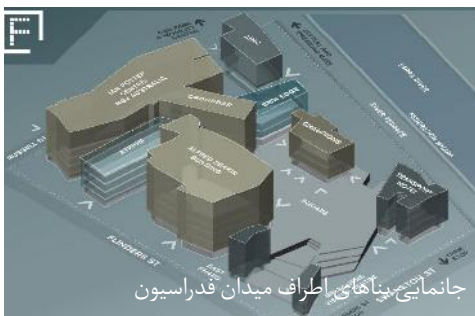
را از سراسر دنیا به خود جلب کرده، میدان فدراسیون است. این میدان با مساحت ۳/۸ هکتار در نزدیکی رودخانه یارا پذیرای گردشگران خارجی و داخلی زیادی بوده و با قابلیت پذیرش ۱۵۰۰۰ نفر محل مناسبی برای ملاقات‌های خصوصی و عمومی مردم به شمار می‌رود [۶۱]. ساخت و ساز در سال ۱۹۹۸ شروع و در سال ۲۰۰۲ افتتاح گردید و در سال ۲۰۰۶ گسترش و توسعه یافت و بخشی از آن تغییر کرد [۶۰]. میدان فدراسیون همچنین سالانه پذیرای تجمع‌های مذهبی، گردهمایی‌های عمومی و تجمع علاقه‌مندان به ورزش در هنگام رویدادهای مهم است.

این میدان سه مجموعه مهم را در خود جای داده است، یکی از آن‌ها «با ارزش‌ترین گالری‌های جهانی» است که صرفاً به نمایش آثار هنرمندان استرالیایی اختصاص دارد. ساختمان دیگر این مجموعه «مرکز تصاویر متحرک استرالیا» نام دارد و شامل استودیوها، سالن‌های نمایش فیلم و امکانات لازم جنبی است. بنای دیگری نیز به رادیو و تلوزیون چند ملیتی استرالیا تعلق دارد. از دیگر کاربری‌هایی که در این مجموعه سازماندهی شده‌اند می‌توان به





میدان فرهنگی فدراسیون



جانمایی بناهای اطراف میدان فدراسیون



میدان فرهنگی فدراسیون



میدان فرهنگی فدراسیون

مرکز اطلاع رسانی توریست، فضای پارک ماشین، واحدهای تجاری و تعداد زیادی کافه و رستوران اشاره نمود. بناهای مذکور پیرامون یک فضای باز مرکزی به مثابه ی پلازای شهری عمل می‌کند جانمایی شده اند. آتریوم مسقفی با دیواره‌های شیشه ای نیز در گوشه ای از ساختمان مرکز تصاویر متحرک استرالیا رو به این پلازای شهری قرار دارد. هندسه ی فراکتال در برخی از بناهای میدان و نیز در سنگفرش کف در قالب فرم‌های متنوع از نظر الگو و رنگ، بافت‌های زیبایی را به وجود آورده است، از این رو پهنای وسیع میدان و خیابان‌های مجاور در میان هندسه و طرح از میان رفته و بدین ترتیب فضاها بی مقیاس و خارج از اندازه ی وسیع به نظر نمی‌رسند. این میدان نمونه ای از فضای فرهنگی روباز است و بی شک تأثیرگذارترین فضای مجموعه، صحن میدان است که موجب پیوند تمامی عناصر پیرامون خود می‌گردد [۶۱]. مهمترین بخش از این میدان، صفحه نمایش عمومی بزرگ آن است، که برای رویدادهای ورزشی بزرگ و دیگر رخداد‌های مهم استفاده می‌شود. شکل کلی این میدان به شکل U انگلیسی است و در انتها به شکل مربع در می‌آید از بناهای مهم ساخته شده در این میدان می‌توان به مرکز هنری، گالری ملی ویکتوریا، استادیوم کریکت ملبورن، مرکز تجمعات و نمایشگاه ملبورن، مجموعه خزانه داری، بازار تاریخی ملکه ویکتوریا، آکواریوم شهر و موزه ملبورن اشاره کرد [۶۰].

گذار از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ مینا



دهکده شهری مونمارتر

دهکده شهری مونمارتر - پاریس

دهه پایانی قرن نوزدهم و زمانی باز می‌گردد که جمعی از مشهورترین نقاشان سبک امپرسیونیسم در این دهکده تازه الحاق شده به پاریس بزرگ رحل اقامت افکندند. در بازخوانی سیر تکوین مونمارتر به مثابه محله ای فرهنگی، سه مرحله اصلی قابل تشخیص است: اول مرحله شناخته شدن دهکده مونمارتر به مثابه محله هنرمندان، دوم تثبیت هسته ای فرهنگی، هنری با مقیاس کارکردی فرامحله ای، فراشهری و نهایتاً فراملی و سوم ایجاد دهکده ای شهری با محوریت اقتصاد مبتنی بر فرهنگ و رویدادهای فرهنگی-هنری با مقیاس کارکردی بین المللی. مونمارتر از نمونه‌های بارز محدوده‌هایی است که با استفاده از

با نگاهی به تجربه ی بازآفرینی شهری فرهنگ- مبنا و سیر تحول رهیافت فرهنگی در بازآفرینی، می‌توان جریان دوسویه کاریست عامل فرهنگ را تشخیص داد. در این چارچوب، فرهنگ می‌تواند نقشی «درون زا» یا «برون زا» داشته باشد زمانی که از فرهنگ به عنوان عاملی درون زا یاد شود، نوعی بالقوگی در اثر سابقه ای از حضور جریان فرهنگ، راه را بر به کارگیری ابزار فرهنگی در بازآفرینی هموار می‌کند و به تعبیری حاصل توانایی‌های محیط برای پذیرش و اشاعه کارکردهای فرهنگی و صنایع خلاق است.

مثالی از این حالت، دهکده شهری مونمارتر در پاریس است. پیشینه مونمارتر به عنوان یکی از هسته‌های تمرکز هنرمندان، به سه

نمای کلی دهکده شهری مونمارتر



مرتبط با هنرهای تجسمی، نمایشی، خیابانی، مفهومی و چیدمانی به یکی از سرزنده ترین و در همین حال پربازده ترین محدوده‌های فرهنگی جهان تبدیل می‌شود. در این تجربه، این فرهنگ است که خود را به عنوان بهترین گزینه به جریان بازآفرینی شهری می‌شناساند و به همین واسطه نقشی درون زا دارد.

دهکده شهری مونمارتر

یک محمل تاریخی و تکیه بر بالقوگی‌های موجود در آن توانسته است جریان برنامه ریزی شهری را متقاعد سازد که نوع اقدام و نگرش به محدودهای تاریخی- فرهنگی می‌باید متضمن ابقا ساختارهای دیرآشنا و تدارك کارکردهایی متجانس با اصالت‌های نهفته در آن باشد. اصالت‌هایی که وجود یک بنیان اجتماعی و کارکردی مانند فعالیت جامعه هنرمندان در شکل‌گیری آن نقشی اساسی ایفا کرده است. با آغاز جریان بازآفرینی شهری در پاریس پس از وقایع سال ۱۹۶۸ دهکده مونمارتر به عنوان اولین دهکده-محله ی فرهنگی- هنری در نقشه استخوانبندی فرهنگی پاریس شناخته می‌شود. از این مقطع، مونمارتر تبدیل به یک «مقصد» مهم و در عین حال مستقل در استخوانبندی شهر پاریس می‌گردد و با آمیختن طیف متنوعی از فعالیت‌های رسمی و غیررسمی



پارک دولاویت - پاریس

پارک دولاویت در محدوده شمال شرقی پاریس در کنار پارک فناوری و تکنولوژی پاریس واقع شده است. ساخت آن از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۷ در مکانی که قبلاً کشتارگاه بزرگ پاریس و همچنین بازار ملی گوشت بود به طول انجامید. پارک دولاویت که در زبان فرانسه دولوی ای (به معنی بنفشه) می‌باشد که یک جور فضای زیبا و دلنشین برای کودکان و جوانان و پیرمردان می‌باشد. یکی از اهداف ساخت این پروژه رونق





پارک دو لاولیت

بخشیدن به شرق پاریس که منطقه ای تهیدست نشین بود می باشد. بافت اطراف آن در گذشته، بافتی فرسوده بود که به لحاظ اجتماعی طبقات فرودست در آن ساکن بودند. تأثیر قوی ایجاد پارک باعث شده که زمین های اطراف پارک گران تر شوند، بافت بهسازی شود و اکنون مسکن به صورتی به روزتر و مطلوب تر در آن در آمده است. در واقع به عنوان پلی بین شهر و حومه عمل کند و با توسعه ی روز افزون این ناحیه، لاولیت دیگر در ورودی شهر واقع نیست بلکه یک حلقه ی اتصال بین المللی تجاری و حمل و نقل شده است. به عبارت دیگر لاولیت از محیط خارج شهری به محیط شهری تغییر هویت داد [۶۲].

برناد چومی معمار این پارک هنرش را مدیون ۳۵ عنصر خارق العاده به نام فولی می باشد. فولی در لغت به معنای احمق ولی در معماری به نوعی ساختار گفته می شود که تنها پوسته ای از اثر قابل دیدن است بدون آن که شاید فضای داخلی محصور و یا فضایی با کاربری مشخص داشته باشد کار آن ها این است که شما را یاد هیچ ساختمان مشابهی نیندازند.

بازآفرینی محله‌ی بازارهای تاریخی شهر بوستون

در جریان دو سویه‌ی کاربست عامل فرهنگ به دو شکل درون‌زا و برون‌زا در بازآفرینی شهری فرهنگ-مبنا، در شکلی گسترده و پرشمول‌تر، فرهنگ به‌طور معمول نیروی محرکه‌ی بیرونی برای احیا و نجات هسته‌های شهری ناکارآمد بوده است. به این معنا از فرهنگ، صنایع فرهنگی، صنایع خلاق و انواع رویدادها به‌عنوان عاملی برای به‌گردش درآوردن چرخ از حرکت ایستاده حیات شهری استفاده شده است. در چنین حالتی، عامل فرهنگ را می‌توان واجد کیفیت برون‌زایی برای بازآفرینی شهری تلقی کرد. در این چارچوب می‌توان به فرآیند بازآفرینی فرهنگ-مبنا در محله‌ی بازارهای تاریخی شهر بوستون اشاره کرد. جایی که اولین



تجربه بازآفرینی شهری فرهنگ-مبنا در آمریکای شمالی رقم خورد و الگویی از توسعه شهری مبتنی بر وارد آوردن عامل خارجی فرهنگ به دست داد. در نمونه بوستون، بر خلاف نمونه مونت‌ترتر، فرهنگ به‌عنوان نسخه بازآفرینی به ساختار شهر تزریق شده و به این تعبیر امری خودانگیخته و درون‌زا نبوده است. طی دوران رونق تاریخی، بوستون با ساختاری عمدتاً اندام‌واره، شهری تجاری و صنعتی بوده است. شهری متکی به باراندازها، کارگاه‌های صنعتی و بازار تجارت قاره‌ای. کوین لینچ درباره این ساختار اندام‌واره می‌گوید: این ناحیه به سبب قدمت، سابقه تاریخی و

شهر به مجموعه بازار تاریخی با تغییری بنیادین در کارکرد عنوان «میدان بازار جشنواره ای» داده می‌شود. در فضای مرکب میدان بازار، عرصه برای برگزاری آئین‌ها و رویدادهای فرهنگی و هنری فراهم می‌شود و مصداق سرگرم‌کنندگی شهر با ایجاد فضایی منعطف و قابل استفاده برای انواع رویدادها و جشنواره‌ها تحقق می‌یابد. این تجربه، توسعه‌گران شهری را متقاعد ساخت که میتوانند با احیا و استفاده تطبیق یافته از ساختارهای تاریخی، مراکز شهری به مراتب سرزنده تر و از لحاظ اقتصادی پربرونق تری را برای شهرها ایجاد نمایند [۴۵].

حال و هوای اروپایی که واجد آن است، در میان شهرهای آمریکایی تا اندازه ای غیرمعمولی است؛ شامل هسته مرکزی داد و ستد شهر و چندین قسمت مسکونی متراکم می‌شود. در سال‌های دهه ۵۰ میلادی، همان زمانی که کوین لینچ مفهوم نقشه ذهنی و سیمای شهر را بر ساختار شبه اندام واره بوستون استوار می‌ساخت، جریان بازسازی و توسعه مجدد گسترده، اصلیت‌ترین گره‌های، این شهر را تخریب نمود و با ایجاد بزرگراه یا شریان مرکزی آثار چندانی از بافت اندام واره شهر بر جای نگذاشت و تنها محله ی بازار قدیمی با بناهای اصلی و تاریخی اش برجای ماند. ولی در فرآیند بازآفرینی



گذار از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ مینا

جمع‌بندی

و وقوع فعالیت‌ها در مکان‌های عمومی، همچنین صنایع خلاق را به مثابه کاتالیزور و نیروی محرکه ی بازآفرینی شهری قرار می‌دهد.

در این رویکرد به منظور ایجاد حداکثر سازگاری با ساحت کالبدی، کارکردی و تصویری مکان معمولاً مجموعه‌ای از بناها به منظور استفاده‌های عمومی و اداری مورد طراحی یا استفاده دوباره قرار می‌گیرند و با تعریف فعالیت‌ها و رویدادهای جدید از فضاهای شهری استفاده‌های تازه‌ای صورت می‌گیرد. به عبارتی ضمن احترام به کالبد دیرروز، محتوا و کارکردی نو که روساخت آن جریان فرهنگی و اجتماعی و زیرساخت آن کاملاً اقتصادی و پربازده است ارائه می‌دهد.

اقدامات مبتنی بر فرهنگ در توسعه اقتصاد شهری، در سه دسته راهکار فرهنگی- اقتصادی شامل راهکارهای کارآفرینانه، راهکارهای طبقه خلاق، راهکارهای پیش‌رونده قرار می‌گیرند که لازم است به منظور داشتن یک پروژه موفق بازآفرینی فرهنگ- مبنا به راهبردهای تولید فرهنگی، مصرف فرهنگی و برنامه‌های مشارکتی به طور یکپارچه و همزمان توجه گردد و در این صورت مشارکت فرهنگ در بازآفرینی بر ابعاد کالبدی، اقتصادی و اجتماعی جامعه تأثیرگذار خواهد بود.

رویکردهای مرمت و بهسازی شهری در سیر تحول و تکامل خود از بازسازی، نوسازی و بهسازی به بازآفرینی و نوزایی شهری تکامل یافته‌اند و در این مسیر گذاری را از توجه صرف به کالبد به عرصه ی تأکید بر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری تجربه کرده‌اند. در چند دهه اخیر نقش فرهنگ در بازآفرینی شهری تغییر معناداری داشته است، چنانچه در دهه‌های اخیر تأکیدات فرهنگی تبدیل به اصلی‌ترین رویکرد در بازآفرینی شهری شده و رویکرد بازآفرینی شهری فرهنگ- مبنا شکل گرفته است.

این رویکرد- که رویکردی امروزی و یکپارچه نگر است - تسهیلات فرهنگی، فعالیت‌ها و رویدادهای فرهنگی، ایجاد مراکز فرهنگی

گذار از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ مبنا

منابع

- [۱] برک پور، ناصر. اسدی، ایرج. مدیریت و حکمروایی شهری، تهران، چاپ سوم انتشارات دانشگاه هنر، ۱۳۹۵.
- [۲] پورا احمد، احمد. حبیبی، کیومرث. کشاورز، مهناز. "سیر تحول مفهوم شناسی بازارآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری"، مطالعات شهرآفرینی اسلامی، شماره ۱، صفحات ۷۳-۹۲، ۱۳۸۹.
- [3] Izadi, M.S. "A study on city center regeneration: A comparative analysis of two different approaches to their vitalization of historic city center in Iran," New-castle University, 2006.
- [۴] صفدری، سیما. پورجعفر، محمدرضا. رنجبر، احسان. "بازآفرینی فرهنگ مینا زمینه ساز ارتقاء تعاملات فرهنگی (نمونه موردی: بافت تاریخی شهر مشهد)،" مجله هفت شهر، شماره ۴۷ و ۴۸، صفحات ۲۵-۳۹، ۱۳۹۳.
- [5] Hewitt, A., "Privatizing the public: Three rhetoric's of art's public good in 'Third Way' cultural policy," *Art & the Public Sphere*, vol. 1, no. 1, pp. 19-36. 2011.

- [۶] فرخ زنوزی، عباس. "ضرورت نوزایی شهری"، مجله هفت شهر، جلد ۱، شماره ۴، صفحات ۶-۱۵، ۱۳۸۰.
- [۷] صحنی زاده، مهشید. ایزدی، محمدسعید. "حفاظت و توسعه شهری: دو رویکرد مکمل یا متغایر؟"، فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، جلد ۱۴، شماره ۴۳، صفحات ۱۲-۲۱، ۱۳۸۳.
- [۸] نراقی، فتنه. "مجموعه‌ها، مراکز تاریخی و سیر تحول جنبش حفاظت و سیانت از آثار معماری"، مجله هفت شهر، شماره ۲، ۱۳۷۹.
- [۹] محمدی آیدغمیش، فاطمه. "واکاوی مفهوم نوسازی در سیر تحول رویکردهای مداخله در بافت‌های شهری". مجله منظر، شماره ۲۶، صفحات ۶۰-۶۵، ۱۳۹۳.
- [۱۰] حاجی پور، خلیل. "مقدمه ای بر سیر تحول و تکوین رویکردهای مرمت شهری دوره زمانی بعد از جنگ جهانی اول تا آغاز هزاره سوم"، نشریه اندیشه ایران شهر، جلد ۲، شماره ۹، ۱۳۸۶.
- [۱۱] رضایی نوری، صبا. "طراحی مراکز فرهنگی با رویکرد معاصر سازی بافت ارزشمند تاریخی در ایران". سومین کنفرانس علمی پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه ریزی، معماری و شهرسازی ایران، ۱۳۹۵.
- [۱۲] آساره، زهرا. "بررسی بعد فرهنگی بهسازی و نوسازی شهری با رویکرد بازآفرینی". در کنفرانس بین المللی معماری، شهرسازی، عمران، هنر و محیط زیست؛ افق‌های آینده، نگاه به گذشته، ۱۳۹۴.
- [۱۳] جاهد قدمی، محمد. دانشجو، خسرو. اسلامی، غلامرضا. "رویکردهای بازآفرینی مراکز شهری". در اولین کنفرانس بین المللی نیارش شهر پایا، ۱۳۹۳.
- [۱۴] عرفان، مریم. حسنیپور، محمد. لطفی، سهند. ایزدی، پگاه. "مروری بر بافت قدیم و فرسوده‌های شهری و آسیب شناسی آن". در اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار، ۱۳۹۲.
- [۱۵] حبیبی، کیومرث. پور احمد، احمد. مشکینی، ابوالفضل. بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری، سنندج، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه کردستان، ۱۳۹۵.
- [۱۶] وارثی، حمیدرضا. تقوایی، مسعود. رضایی، نعمت‌الله. "ساماندهی بافت فرسوده شهری (نمونه موردی: شهر شیراز)". مجله علمی تخصصی برنامه ریزی فضایی، جلد ۲، شماره ۲، صفحات ۱۲۹-۱۵۶، ۱۳۹۱.
- [۱۷] سند ملی راهبردی احیاء، بهسازی و نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و نا کارآمد شهری، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری، ۱۳۹۳.
- [۱۸] شماعتی، علی. پوراحمد، احمد. بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه جغرافیا، تهران، چاپ پنجم انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.

- [۱۹] پوراحمد، احمد. حبیبی، کیومرث. کشاورز، مهناز. "سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نودر بافت‌های فرسوده شهری"، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، جلد ۱، ۱۳۸۹.
- [۲۰] عربشاهی، زهرا. "سابقه نوسازی و بهسازی بافت قدیم شهری در ایران و اروپا". مجله شهرداری‌ها، شماره ۴۹، ۱۳۸۲.
- [۲۱] وحدتی اصل، ابوالقاسم. "شهر امروز و هویت فراموش شده آن"، مجله هفت شهر، شماره ۴، صفحات ۲-۵، ۱۳۸۰.
- [۲۲] عربی، عباس. انتظاریزدی، حسن رضا. "بررسی شیوه‌های مداخله در بافت‌های فرسوده شهری و ارائه مدل بهینه مداخله"، در اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری، مشهد، ۱۳۸۶.
- [۲۳] کلانتری خلیل آباد، حسین. پوراحمد، احمد. فنون و تجارب برنامه ریزی مرمت بافت تاریخی شهرها، چاپ اول انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۵.
- [۲۴] رحیمی، محمد. "کارگاه آموزشی مدیران شهری ایرانشهر، بازآفرینی شهری پایدار"، در شرکت عمران و بهسازی شهری ایران، ۱۳۹۵.
- [25] "www.umic.ir"
- [۲۶] حبیبی، محسن. خبیری، سمانه. "بازخوانی مفهوم بازآفرینی شهری"، در اولین نشست بازآفرینی شهری، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران، ۱۳۹۵.
- [۲۷] شبانی، امیرحسین. ایزدی، محمدسعید. "رویکردی نوین به بازآفرینی شهر خلاق"، مجله نقش جهان، جلد ۴، شماره ۲، صفحات ۶۳-۷۳، ۱۳۹۳.
- [۲۸] سجادزاده، حسن. زلفی گل، سجاد. "راحی شهری در بازآفرینی محلات سنتی با رویکرد محرک توسعه نمونه موردی: محله کلپا همدان"، مجله آمایش محیط، شماره ۳۱، صفحات ۱۴۷-۱۷۱، ۱۳۹۴.
- [۲۹] رابرتز، پیتر. ایزدی، محمدسعید. حناچی، پیروز. بازآفرینی شهری یک کتاب راهنما، تهران: چاپ اول انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
- [۳۰] پورجعفر، محمدرضا. دهقانی، فهیمه. "نقش بازآفرینی مناظر فرهنگی بر ارتقای کیفیت زندگی شهروندی (نمونه موردی: مجموعه زندیه شیراز)"، مجله نقش جهان، جلد ۱، صفحات ۸۱-۹۴، ۱۳۹۰.
- [۳۱] حبیبی، محسن. مقصودی، ملیحه. مرمت شهری، تهران: چاپ هفتم انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
- [۳۲] علی الجنایان، علی. دودانگه، زهرا. "مفهوم بازآفرینی شهری در نظر و عمل گفت و گو با دکتر سید محسن حبیبی"، هفت شهر، جلد ۴، شماره ۵۱-۵۲، صفحات ۵۵-۵۹، ۱۳۹۴.

- [۳۳] عندلیب، علیرضا. بیات، اشکان. رسولی، لیللا. "مقایسه و تطبیق بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری بلوک خیام تهران و پروژه لیوپول"، مجله آمایش محیط، شماره ۶، صفحات ۷۹-۱۰۴، ۱۳۹۲.
- [۳۴] توپچی ثانی، علی. محمدی، محمود. "بازآفرینی پایدار شهری"، همایش بافت فرسوده شیراز، شیراز، ۱۳۸۹.
- [۳۵] تاوانوبلسی، جورجو. گابریله ترمبلی، دایان. ساندری، مارکو. پیلاتی، توماس. (مترجم) عباس زاده، مهدی. "روندهای جدید در فرآیندهای بازآفرینی شهری: سرمایه فرهنگی به عنوان منبع انباشت سرمایه انسانی و اجتماعی، شواهدی از نمونه موردی توهو در مونترال"، مجله شهرنگار، شماره ۵۸، صفحات ۴۰-۵۹، ۱۳۹۱.
- [36] Roberts, P.W and Sykes, H., Urban Regeneration, London: sage publications, 2000.
- [۳۷] ایزدی، محمدسعید. فیضی، رضا. "بازآفرینی شهری کنش و بینشی جامع و یکپارچه در ساماندهی محدوده‌های هدف برنامه بهسازی‌های و نوسازی شهری"، مجله هفت شهر، شماره ۳۳-۳۴، صفحات ۷۴-۸۰، ۱۳۸۹.
- [38] Tallon, A., Urban regeneration in the uk, London: Routledge, 2010.
- [۳۹] طرفدار، زهره. بازساخت نقش پروژه‌های محرک توسعه شهری در بازآفرینی بافت‌های ارزشمند تاریخی (نمونه موردی: منطقه ۸ شیراز)، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی و برنامه ریزی شهری دانشگاه شیراز، ۱۳۹۳.
- [۴۰] ایزدی، محمدسعید، "بازآفرینی حفاظت مدار یا بازآفرینی از طریق حفاظت"، نشریه صفا، جلد ۲۰، شماره ۵۰، ۱۳۸۹.
- [۴۱] موحد، علی. گلی، علی. ایزدی، پگاه. "کارکرد رهیافت بازآفرینی پایدار شهری محله‌های حاشیه نشین مطالعه ی موردی: محله ی سعدی شیراز"، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، جلد ۴۵، شماره ۱، صفحات ۱۰۵-۱۲۲، ۱۳۹۲.
- [۴۲] بحرینی، حسین. ایزدی، محمد سعید. مفیدی، مهرانوش. "رویکردها و سیاستهای نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار)". فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۹، pp. ۱۷-۳۰، ۱۳۹۲.
- [۴۳] لطفی، سهند. "بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تأملی بر بن مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی"، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، شماره ۴۵، صفحات ۴۹-۶۲، ۱۳۹۰.
- [44] UNEP, Guidelines for urban regeneration in the uk. London and New York, Taylor and Francise library, 2004.
- [۴۵] لطفی، سهند. "بازآفرینی شهری: به سوی زبانی مشترک برای مرمت و حفاظت

شهری در ایران“، مجله آبادی، شماره ۶۷، صفحات ۶-۹، ۱۳۸۹.
[۴۶] زیاری، کرامت الله. “سنجش توسعه یافتگی فرهنگی استان های ایران” پژوهشنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، صفحات ۹۱-۱۰۴، ۱۳۷۹.

[47] Smith, M. K., *Tourism, Culture and Regeneration*, Trowbridge: Cromwell, 2007.

[48] Alexe, L., “Culture and Urban Regeneration: The Role of Cultural Investment for Community Development and Organization of Urban Space,” *Tourism and Economic Development*, pp. 386-390, 2013.

[49] Lazarevic, E.V., Koru znjak, A.B., Devetakovic, M., “Culture design led re-generation as a tool used to regenerate deprived areas. Belgrade- The Savamala quarter; reflections on an unplanned cultural zone.” *Energy and Buildings*, no. 115, pp. 3-10, 2016.

[۵۰] لطفی، سهپند. علی اکبری، فاطمه. شعله. مهسا. “کاربست فرهنگ در فرآیند احیای اقتصادی و سامان بخشی فعالیتی بافت های شهری تاریخی”، در اولین کنگره بین المللی افق های جدید در معماری و شهرسازی، ۱۳۹۳.

[51] Bailey, C., Miles, S. and Stark, P., “Culture-led urban regeneration and the revitalization of identities in Newcastle, Gateshead and the North East of England,” *International Journal of Cultural Policy*, vol. 10, no. 1, pp. 47-65, 2004.

[۵۲] بمانیان، محمدرضا. انصاری، مجتبی. الماسی فر، نینا. “از زنده سازی منظر فرهنگی تخت سلیمان با تاکید بر رویکردهای بازآفرینی و حفاظت از میراث جهانی ICOMOS”، مجله مدیریت شهری، جلد ۲۶، صفحات ۷-۲۶، ۱۳۸۹.

[۵۳] ایزدی، پگاه. هادیانی، زهره. حاجی نژاد، علی. قادری، جعفر. “واکاوی زمینه های تحقق پذیری رویکرد بازآفرینی شهری فرهنگ محور بافت تاریخی- فرهنگی شهر شیراز)،“ فصلنامه جغرافیا، شماره ۵۱، صفحات ۴۶۱-۴۸۲، ۱۳۹۵.

[۵۴] احمدی، احسان. “بررسی مصادیق رویکرد بازآفرینی بافت های شهری در ایران و جهان.“ در اولین همایش منطقه ای معماری و شهرسازی، سقز، ۱۳۹۱.

[55] “www.fardanews.com.”

[56] “http://parsidco.com.” [Online]. [Accessed 27 4 1396].

[57] “http://urbandesign.ir.”

[58] “www.isna.ir.” [Online]. [Accessed 14 4 1396].

[۵۹] پورجعفر، محمدرضا. خبیری، سمانه. “ارتقای دلبستگی مکانی در فرآیند بازآفرینی بافت های شهری کهن،“ مجله هفت شهر، شماره ۴۵، صفحات ۹۴-۱۰۹، ۱۳۹۳.

[60] “www.parsacity.com.” [Online]. [Accessed 12 4 1396].

[۶۱] رهبری منش، کمال. کریمی کوکنه، سروناز. “بررسی تاثیرگذاری وقوع هنرهای

گذار از کالبد به معنا در بازآفرینی فرهنگ مینا

عمومی بر ارتقاء کیفیت فضاهاى عمومى شهر و تعاملات اجتماعى شهروندان، سومین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، ۱۳۹۴.

[62] "<http://arktourism.ir>," [Online].

[۶۳] هنرور، نیلیر. "بررسی تحول قطعنامه‌های مرمت شهری ایران،" هفت شهر، جلد ۳، صفحات ۱۴-۳۰.

[۶۴] محمد مرادی، اصغر. احیای بافت قدیم شهرها (مروری بر تجارب) ارائه راهبردها و ضوابط برای حفاظت و احیای بافت قدیم شهرهای ایران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.

[65] "<http://shiraze.ir>,"

با بازآفرینی شهری فرهنگ-مبنا، کیفیت محیط‌های تاریخی به‌عنوان بخشی از نوآوری‌ها و ابتکار عمل‌های بازآفرینی شهر به‌طور روزافزونی آشکار گردیده است. در این رویکرد، فعالیت‌های فرهنگی به‌عنوان کاتالیزور و موتور بازآفرینی به حساب می‌آیند و فعالیت‌ها نمایش عمومی قابل توجهی دارند و اغلب به‌عنوان نماد بازآفرینی ذکر می‌شوند. هدف بازآفرینی شهری فرهنگ-مبنا توجه به حفظ ارزش‌های فرهنگی است و حفاظت از ثروت‌های بومی در جهت اعتلای نقش فرهنگی بازآفرینی شهری در محیط اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد



روابط عمومی

شرکت سرمایه‌گذاری مسکن جنوب

(سهامی عام)

پاییز ۱۳۹۷